



سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

# پیام کارگر

شماره

۳

بها معادل ۴۰ ریال

سال اول - تیر ۱۳۶۶

ارگان کمیته خراج ز کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## تظاهرات بزرگ

### پناهندگان اعتصابی شهرهای بایرن در نورنبرگ - آلمان غربی

شرکت کننده داشت، بارد یگربسه خواست فوق پای فشرده، با افشای جنایات جمهوری اسلامی و افشای سیاستهای غیرانسانی دولت آلمان، مردم شهر را در جریان شرایط بسیار نامناسب زندگی خویش قرار دادند. تلویزیون بایرن که تا بحال توانسته بود در مورد اعتصاب طولانی مدت و متحد شهرهای ایالت سیاست سکوت را پیش ببرد، مجبور شد تظاهرات پناهندگان را منعکس کند. پلیس و مقامات ایالتی که از اتحاد و همبستگی شوراهای پناهندگان بوحشت افتاده بودند، بعد از تظاهرات، تلاش کردند ساکنین هایم مگند ورف بقیه در صفحه ۹

پناهندگان شهرهای "کوبورک"، "باد کیستگن" "مگند ورف"، "نورنبرگ" و... که از تاریخ ۸۷/۵/۱۸ حول سه خواست خویش، دریافت پول نقد بجای جیره غذا، "انتقال ازهایمها (۱)" به منازل مسکونی" و "کوتاه شدن مدت انتظار برای رسیدگی به درخواست پناهندگی و قطع د پورت" دست به تحریم غذا زده بودند، بدلیل دریافت نکردن جواب مثبت از مقامات مسئول ایالتی در تاریخ ۸۷/۷/۳ متحد اد رخیابانهای شهر نورنبرگ دست به یک تظاهرات بزرگ زدند. پناهندگان در این تظاهرات که بیش از هزار نفر

## اوج گیری بحران

### ارگانی بر فراز ارگانهای دیگر

تشکیل کمیته مشترک به منظور "هماهنگی بین مسئولین و کنترل امور کشور" که طی مصاحبه ای از سوی رفسنجانی اعلام شد، ابعا د بحران حکومتی رژیم فقها را به نحو برجسته تری عیان می سازد. شدت منازعات درونی اکنون مدتی است که کارکردهای معمول ارگانهای رژیم را با اختلال های جدی مواجه ساخته است. طرح هفته مجلس و هفته قانون حرکتی بود در جهت خلاصی از این بن بست که بی نتیجه ماند. مسئله اینست که د یگر بحث بر سر رشدن یک لایحه یا یک ماده از قانون مصوبه و غیره بعلمت تأخیر و تأثیریک جناح رقیب در ارگانهای تصمیم گیری نیست. بلکه صحبت از بن بست قانون است، و این اعترافی است از زبان خودشان. حسین قاضی زاده هاشمی نمایندنده مجلس فقها چنین اظهار میکند: "عملا در نظام ما تعریف مشخصی از قانون وجود ندارد. مصوبات مجلس قانون است، مؤزین شرعی هم قانون است، د ید گاهی می گوید قوانینی که از تصویب مجلس می گذرد، باید منطبق بر قوانین اسلامی باشد، د ید گاه د یگر میگوید: قوانینی که از تصویب مجلس می گذرند نباید مغایرت اصولی با قوانین اسلام داشته باشد... قانون اساسی می گوید مصوبات مجلس مغایرت با قوانین اسلامی نداشته باشد در صورتیکه شورای نگهبان می گوید باید منطبق بر قوانین اسلام باشد." (کیهان ۱۰ خرداد ۶۶) در همین زمینه رفسنجانی می گوید: "قانونی در مجلس تصویب می شود ولی در شورای نگهبان رد میشود و یا می ماند این بدلیل مشکلات موجود در زمینه تشخیص مطابقت قانون با شرع است چون حد ود قانون برای همه موارد و موضوعات در اسلام مشخص نیست و نیاز به اجتهاد دارد." بقیه در صفحه ۲

### اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

در صفحه ۲

### منتظری در پیس پرده تزویر

در صفحه ۱۲

### آب را گل نکنید!

در صفحه ۱۳

### تلگرام

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر):

به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد: ژنو  
به کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان: ژنو

به سازمان مفو بین الملل  
در رابطه با حمله سلحشانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به محل های مسکونی ایرانیان در شهرهای کراچی و کوئته پاکستان. در صفحه ۲



### فرخی یزدی

### لبان دوخته زحمتکشان

هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد  
در بیم ز صاحبان د بیهیم نشد  
ای جان بغد ای آنکه پیش دشمن  
تسلیم نمود جان و تسلیم نشد  
در صفحه ۵

بمناسبت سالروز شهادت

### زندگی و مبارزات پناهندگان

وضعیت نابسامان آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و برخورد های سهل انگارانه سازمان ملل

در صفحه ۴

نشست در مورد وضعیت پناهندگان ایرانی

در صفحه ۷

تظاهرات علیه بازداشت پناهندگان در کشی

کنفرانس علیه استرداد پناهندگان در لندن

پناهنده ایرانی خودکشی کرد

... 9

### سازمان عفوبین الملل:

۴۰۰ نفر از آوارگان ایرانی در ترکیه

باز پس گردانیده شدند!

در صفحه ۳

### مبارزه اپدئولوژیک

به شیوه اپورتونیست ها

در صفحه ۶

# اوج گیری بحران وارگانی بر فراز ارگانهای دیگر

(کیهان ۱۲ خرداد ۶۶) بعبارت روشنترین به معنی مخالفت با روش شورای نگهبان جهت انطباق همه قوانین با احکام شرعی میباشد چون به قول رفسنجانی برای همه موارد و موضوعات، حدود روشنی در اسلام مشخص نشده است. اما ماجرا فقط میان این دو ارگان حکومتی محدود نماند بلکه میان دولت و مجلسی که اکثریت آنها وابسته یا طرفدار همان جناح مسلط و لاجرم پشتیبان کابینه می باشند، نیز شکرآب است. . . . در مسائل تشکیلاتی باید قدرتی بیشتر به نظام اجرائی داده شود. وقتی مجلس زیاد وارد جزئیات می شود احساس می کنیم دچار خفگی شده ایم. (موسوی

کیهان ۱۰ خرداد ۶۶). این بن بست در "روانین" و مناسبات کهناسی ازبهم خوردن توازن قبلی و آرایش جدید نیروهاست، بمعنی واقعی قدرتی تصمیم گیری و اراده حکومتی را تضعیف نموده و آنرا به فلج کامل می کشاند. لوائح تأمین و توزیع کالا، تشدید مجازات محترکان، تشکیل شرکت پست، تشکیل دادگاههای سیاره، وصول مالیاتها، اراضی شهری و طرح بیمه بیکاری و طرح بخش تعاونی همگی در شورای نگهبان رد شده اند و اینها مجموعه بر نامه کابینه و جناح مسلط برای مقابله با بحران مملکت بوده است. وقتی که کار به اینجا کشید، جناح مسلط در صدد برآمد که با ضد حمله گسترده و بی بهره گیری از قدرتی خمینی مسائل را حل کند. اما مدعی بجای نرسید. چرا که ریکتور نیروی حمایتی "امت حزب الله" که سابقا یخنون چماق آنان بکار گرفته می شد دیگر کارآیی لازم، بدلیل مجموعه عوامل و از جمله تحت فشار قرار گرفتن از جانب همین جناح مسلط را نداشت و نمی توان چون گذشته آن را به میدان آورد. از طرف دیگر خمینی نیز که خوبی عمق بحران و ابعاد ماجرا را دریافته و به ناتوانی خود برای حل مسئله با موضع گیری و حمایت از یک جناح واقف می باشد، این راه حل جناح مسلط را کنار گذاشته و جهت دیگری در پیش گرفته است. رفسنجانی در ملاقات با خمینی عاجزانه گفت: "من با همه وجود احساس می کنم . . . که در قانن - گذاری و تدوین قوانین اساسی وینیدی . . . تحقیقا مانیا زده د خالت و یک صریح جناحی در ایم . . . و خمینی پاسخ داد: "من بناندرم که امروز صحبت کنم. . ." (کیهان ۱۳ خرداد ۶۶) همین جناح مسلط قصد داشت که در انتخابات آینده همه نمایندگان را از یک خط انتخاب کند و شهیدات لا زمر با حرکات مختلف از جمله تصفیه ارگانهای زیربط مانند وزارت کشور و غیره نیز انجام داد. اما این تاکتیک نیز با موانع جدی روبرو شد و منتظری که این روزها با عقب نشینی امثال رفسنجانی نفوذ و قدرتی بیشتری یافته است، صراحتا اعلام کرد که مجلس نباید "یک خطی" باشد و این حرکت می باید متوقف شود.

در چنین وضعیت و توازن مشخص است که راه چاره دیگری جز سازشها و اتلافهای جدید برای حل مسائل و گشودن بن بست های این حکومت بحرانی و متناقض باقی نمی ماند. چون ارگانهای موجود بعلت برهم خوردن تعادل قوای قبلی قادر به حرکت نبود و فلج گردیده اند، تشکیل ارگانهای تازه تصمیم گیری ضروری می شود. ارگانهای که در عمل

ارگانهای قبلی را کنار زده و حذف می نمایند. اگر مجلس و کابینه شورای نگهبان دیگر نمی توانند نقش خود را بازی نمایند، "اجلاس سران سه قوه" تأسیس می شود و ارگانی بر فراز ارگان دیگر قرار می گیرد. مصادف با روزهای هفته قانن، که در حقیقت می باید صحنه نمایش قدرت مجلس فقها باشد، اولین اجلاس سران سه قوه (مجلس، دولت و شورای عالی قضایی) به اتفاق اعضای شورای نگهبان اعضای کابینه و رؤسای کمیسیونهای مجلس یعنی همه مردان اصلی حکومت فقها بصورت جمع اضداد و به امید یک ائتلاف و سازش جدید تشکیل جلسه میدهند. آنطور که رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران در اخلی و خارچی در ۱۴ خرداد ۶۶ عنوان کرد، کمیته مشترکی از نهاد های شرکت کننده در اجلاس برای تهیه دستور جلسات و ویژگیهای تصمیمات اجرائی اجلاس نیز تشکیل شده است. این همه به معنی کنار گذاشتن عملی روابط و عملکرد های پیشین مجلس و کابینه و شورای نگهبان و غیره می باشد. اگر چه قرار است این ارگان تازه تأسیس در جلسات مرتب خود تصمیم گیریهای اصلی را بکند، اما بنوعی یادآور هیئات آشتی گنان چند ماهه آخرد و ریاست جمهوسوری بنی صد رنیز می باشد. این روند شکلگیری بی درسی ارگانهای تصمیم گیری و لغو آنها مشخصه دوره بحرانی در حکومت های متناقض خصوصا رژیمهای بنا بر ریتستی از نوع حکومت فقها، می باشد. فارغ از آنکه این ارگان تازه تأسیس فقها که اکنون بر فراز رتبا می ارگان های قبلی قرار گرفته قادی به عمل باشد - که احتمالا بعلت ابعاد بحران و تناقض موجود قبل از راه افتادن کامل به فلج و بن بست کشیده خواهد شد - پیش از هر چیزی زنگنه ناگشودنی تثبیت رژیم فقها را بر جسته تر

از هر زمانی به نمایش می گذارد. اما در رباعین و در میان حکومت شوندگان نیز که از مدتها قبل در رابطه با حکومت فقها "بن بست قانن" روبرو بود ه اند رژیم اسلامی جز با سرکوب و زور قادر به کنترل اکثریت توده ها نبود ه است، مسائل و چشم اندازهای تازه مطرح میگردد. طبقه کارگر تهران ایران که در چند سال گذشته، در اکثر مواقع بعنوان تنها گروه اجتماعی در برابر بربرشهای فقها ایستادگی و مقاومت نموده و سنگر تمام می کارخانه های ایران شاهد زنده مقاومت و درگیری آن با حکومت فقها و سرمایه داری اسلامی بوده است با حرکات عظیم اخیر خود که نمونه آن اعتصاب و تظاهرات پیروزمندانه کارگران گروه کفش ملی می باشد نشان داد که دوره های تازه ای از نبرد با رژیم فقها را تدارک می بیند. خشم و نفرت در میان توده های وسیع زحمتکشان متراکم گردیده و فشار جنگ ارتجاعی و فلاکت توده ای وضعیت انفجاری آمیزی را ایجاد کرده است. بی جهت نیست که علاوه بر مقاومت در برابر تعرضات رژیم، زحمتکشان و خصوصا طبقه کارگر دست به تعرضات متقابل در اینجا و آنجا هم می زنند.

اگر بن بست و فلج حکومتی و لاجرم تضعیف اراده و یکپارچگی آن را در نظر آوریم، امکان بروز نا فذی برای فوران کردن خشم توده ها که متراکم گردیده، به خوبی دریافته می شود. و این وظائف سازمانگری و لزوم آماده گی هر چه بیشتر ه برای برخورد با حرکات توده ای را بر جسته تر و مبرمتری نماید. زیرا که به راستی "در آستانه دوره سرنوشت ساز" قرار گرفته ایم و قهر جمع شده هر لحظه می تواند جهش و آرزو با زکرد.

## تلگرام

به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد: ژنو  
به کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان: ژنو  
به سازمان عفو بین الملل: مقام محترم:  
مردم مسلمانان و سایر سخیستین فشارهای ناشی از یک حکومت دیکتاتوری مذهبی، و جنگ ویرانگر ۷ ساله مجبور به مهاجرت اجباری میشوند. متأسفانه آنها با مشکلات روز افزون از جانشینان دولتهای اروپایی جهت پناهندگی روبرو هستند. اما شرایط دشوار زندگی هموطنان مهاجر ما در پاکستان و ترکیه از هر جایی دشوار تر و خطرناکتر است. خصوصاً که جمهوری اسلامی تروورسم خود

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - ۱۹۸۲/۷/۱۰

خارج از کشور نیز تهدید می کند، ثابت کرد. برای مقابله و جلوگیری از تکرار این گونه فجایع عمل متحدانه نیروهای انقلابی و دمکرات و اتحاد عمل گسترده کانونهای پناهندگان ضروری است. همچنین برعهده این نیروهاست که افکار عمومی جهان را متوجه این اعمال در منشا رژیم اسلامی کرده و آنها را علیه دولتهای امپریالیستی که برای جلب همکاری و نزدیکی به رژیم تروورستی ایران پناهندگان را تحت فشار میگذارند و مخالفین را وجه المصالحه قرار می دهند برانگیزانند.

یورش وحشیانه عوامل مندر رژیم جمهوری اسلامی، به محلهای مسکونی ایرانیان مهاجر در شهرهای کراچی و کوئته پاکستان که در نتیجه آن عده زیادی از هموطنان ما کشته و مجروح شدند با دیگر زامهیت جنایتکارانه این رژیم صد بشوری برده برداشت.  
این جنایت همچنین بخوبی ادعای نیروهای انقلابی را مبنی بر اینکه مخالفان رژیم اسلامی حتی در خارج از حیطه قدرتی رژیم در اسکان نیستند و تروورسم رژیم اسلامی آنها را حتی در

۴۰۰ نفر از آوارگان ایرانی

در ترکیه بازپس گردانیده شدند!



سا زمان عفوبین الملل (امنستی) طی د و اطلاعاتی که در ماههای مه و ژوئن منتشر کرد از جنایت دیگری که دولت ارتجاعی ترکیه مرتکب گردید، پرد هبرد اشت . امنستی اعلام کرد که دولت ترکیه طی ۶ ماه گذشته . ۴۰۰ نفر از آوارگان ویناهند گان ایرانی را به رژیم جمهوری اسلامی تحویل داد هاست . بنا بر گزارش سا زمان عفو بین الملل تعدادی ازیناهند گان برگرد اند ه شده، خود را به دفتر سا زمان ملل در ترکیه معرفی کرد و تقاضای پناهندگی کرد ه بود ند . این عمل غیر انسانی که برای چندین بار از سوی دولت ترکیه تکرار گردید ه ، از یک توطئه وسیع وهده جانیه علیه پناهندگان ایرانی وقیم ترکیه حکایت میکند . ویتویه خود با زتاب سا وشها ویند و بست های د و دولت ستنگر ارتجاعی میباشد . ما از همه کانون های پناهندگی سا زمانهای انقلابی وشخصیتهای مترقی وهبار زد رخواست میکنیم که به مسأله آوارگان و پناهندگان ایرانی در ترکیه وپاکستان توجه جدی کرد ه و با سا زمان د ادن اتحاد عمل های وسیع و آکسیون های اعتراضی وافشاکری مانع از تسد اوم اقدامات جنایتکارانه د دولت ترکیه گرد ند .

بزرگداشت هشتتین سالروز تأسیس

سازمان تارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در برلین غربی

به مناسبت ۴ تیر هشتتین سالروز تأسیس سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مراسم بزرگداشتی در تاریخ ۱۳ تیر از طرف اعضا و هواداران سا زمان در برلین غربی برگزار گردید . در این مراسم که بیش از ۳۰۰ نفر از ایرانیان مترقی شرکت کرد ه بود ند ، شاعر ونویسند ه انقلابی رفیق حسن حسام پیرامون تأسیس سا زمان ه پیروسه . تکامل آن تا به امروز ، خط مشی وتاکتیکهای انقلابی آن سخنانی ایراد کرد . برنامه با سرود ، تکخوانی رقص یونانی ، پانتومیم ، موزیک کردی وموزیک آمریکای لاتین خاتمه یافت . در این برنامه همه همچنین سا زمان دانشجویان ایرانی هواداران سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران در آلمان فدرال و برلین غربی ، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن (کمیته اروپا) وهواداران سا زمان رهائسی (گورتولوش) ترکیه در کردستان شمالی - برلین غربی ، پیامهای تبریک خود را به مناسبت هشتتین سالروز تأسیس سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) قرائت کرد ند .

اعلامیه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

خللی د رمزم انقلابی و حق طلبی زندانیان سیاسی بوجود آورد .

سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، اهدام رذبلانه زندانیان سیاسی راشد بسد ا محکوم می کند وتگرانی صبیق خود رانصبت به اهدام گروههای دیگری از زندانیان سیاسی قهرمان ، توسط رژیم جمهوری اسلامی د رواکش نسبت به مقاومت و اعتراضات ماههای اخیر زندانیان این وهگوردشت ابرازینماید . سا زمان ما ، بارد بگرا زهمه نیروهای انقلابی ود موکراتیک ایران ، وازهمه سا زمانها و محافل آزاد بخواه جهان میخواهد که علیه جنایات رژیم اسلامی بانگ اعتراض خود را سرترازند . با بسیج افکار عمومی ترقی خواه جهان و با استفاده از تمامی امکانات ، جمهوری اسلامی را زهر فشار قرار دهند . برای قطع شکنجه ، لغو اهدام و آزادی بدین قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی ایران ، همه آنان را به همراه خانواده های زندانیان سیاسی به اقدامات عملی مشترک و متحدانه فرامی خواند .

برای لغوشکنجه واهدام ، و برای آزادی زندانیان سیاسی متحد ایه بپا خیزیم!  
مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران!  
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - تیرماه ۶۶

کارگران! زحمتکشان ومردم آزاد ه ایران!  
سازمانهای انقلابی ود موکراتیک ایران!  
مردم ترقی خواه جهان!

گستروش مقاومت زندانیان سیاسی ایران علیه باهمال شدن ابتدائی ترین حقوق انسانی در زندانها ، باشدیدترین پاسخ ، یعنی شکنجه و اهدام ، توسط جنایتکاران رژیم اسلامی مواجهه گردید هاست . جمهوری اسلامی د ره راس از اعتراضات روهگستروش مردم ایران ، نیروها و محافل آزاد بخواه جهان ، مذبحخانه تلاش می کند تا از رز اخبار مقاومت زندانیان وگستار د سته جمعی زندانیان سیاسی د رشکنجهگاهلی رژیم فقها به بترین جلوگیری نماید .

در اسفند ماه گذشته ، زندانیان سیاسی این د اعتراض به وضع بد غذا ، وضع بسیار بد بهداشت و آزادی اوم زندانیان ، از گرفتن غذا خود د اری کرده ه و به اخصاب غذا دست زد ند . جنایتکاران جمهوری اسلامی برای درهم شکستن مقاومت زندانیان سیاسی ، د راستانه نپروز ، ۲۵ تن از زندانیان سیاسی را تهر باران نمود ند .

تشدید مقاومت و اعتراضات زندانیان سیاسی این وهگوردشت د راههای ارد بهبهت وغرداد ، که ضربه د رگیری و ضرب وشتیم زندانیان ، گرفتن غذا و اخصاب فدای مجدد اسرای قهرمان گردید هاست ، حاکی از آنستکه بام اقدام جنایتکارانه رژیم اسلامی قادر نیست

تظاهرات صلح در بن

نمایندگانی از حزب سبزها ، "فولگ" رهبر حزب سوسیال د موکرات ، یک فیزیکدان جوان برنده جایزه نوبل و چند شخصیت د موکرات و مترقی ، در سخنان خود از طرح پیشنهادی میخائیل گورباچف مبنی بر خلع سلاح جهانی و برچیدن پایگاههای موشکی و محوسلاح های گسترده جمعی پشتیبانی کرد ند . بعضی از سخنرانان سیاست جنگ طلبانه ریگان و طرح جنگ ستارگان را بشدت محکوم کرده ه ، خواهان پایان دادن به آن و موافقت با پیشنهاد های واقع بینانه خلع سلاح اتحاد شوروی شد ند . رفقای مادرین ، کلن ، ویکی د وشهرد یگر در این تظاهرات فعالان شرکت داشتند و بیانیه ای در باره اثرات مخرب و خانمانسوز جنگ را میان جمعیت توزیع کرد ند . قطعنامه پایانی میتینگ ، ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بشدت محکوم دانسته ه ، و خواستار قطع بید رنگ جنگ می گرد د!

در سیزدهم ژوئن ۱۹۸۷ د اعتراض بس سیاست های جنگ طلبانه ریگان و پشتیبانی از طرح خلع سلاح میخائیل گورباچف ، همزمان با دیدار ریگان از آلمان غربی بد عوت سا زمان ها و گروههای هوادار صلح و خلع سلاح ، تظاهرات مسالمت آمیزی در شهر بن - آلمان غربی - برگزار گردید .

حدود پنجاه هزار نفر از نیروهای مترقی و صلح طلب آلمان از شهرهای درونزد یک به "بن" آمد ه و از سه نقطه شهر با شعارها و پلاکارتهائی مبنی بر خلع سلاح اتمی ، برچیدن موشکها از آلمان واروپا به سمت محل اصلی تجمع راه افتاد ند . راهپیمایان پس از چند ساعت توقف و راهپیمایی د زیر باران شدید د رنزد یک دانشگاه بهم ملحق شد ند و در محل اجتماع به سخنرانی نمایندگان احزاب و شخصیت های مستقل گوش فراداد ند .



# وضعیت ناپسامان آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و برخورد های سهل انگارانه سازمان ملل

آنچه که می خوانید قسمتهائی است از د وگزارش که رفقای ما از ترکیه و پاکستان تهیه و برای فرستاده اند. از شرایط دشوار و طاقت فرسای زندگی هم میهنان آواره خود در ترکیه و پاکستان بارها مطالبی خوانده و یا شنیده ایم ولی آنچه در این گزارش چشمگیر و قابل توجه است نقش سازمان ملل متحد بعنوان حامی حقوق بشر در دامن زدن به ناپسامانی وضعیت هموطنان ما در این دو کشور می باشد:

ترکیه اکنون سرپل اصلی عبور ایرانیان به کشورهای اروپائی است. بیشترین تعداد ایرانیان را افرادی در بر می گیرند که ترکیه را بمنظور اقامت موقت و عزیمت به کشورهای دیگر که پناهنده می پذیرند انتخاب کرده اند. این تعداد به د و صورت قانونی و غیرقانونی وارد ترکیه می شوند.

افراد د که بصورت غیرقانونی وارد ترکیه می شوند از همان مرحله اقدامات اولیه جان نشانی در معرض خطر قرار می گیرد. این خطه نه تنها از جانب دولت ارتجاعی و ضد بشری ایران بلکه از جانب دولت و مأمورین ترکیه نیز وجود دارد. موارد متعدد د وجود دارد که ایرانیان هنگام عبور از مرز و در داخل ترکیه با اسلحه مأمورین ترک کشته شده اند. چندی پیش ۴ نفر ایرانی به همین صورت کشته شدند و جنازه هایشان در مرز ایران و ترکیه به خانواده ها میسران تحویل داده شد. موارد د از این قبیل کم نیست. دولت ترکیه با توجه به قرار داد محرمانه ای که با د دولت ایران منعقد نموده، ایران نیانی را که غیرقانونی وارد ترکیه می شوند دستگیر نموده، د رازای د دریافت مبلغی حد ود ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار تسلیم مقامات ایرانی می نماید و نیز برطبق اطلاعاتی که خود مأمورین "پایانچی" شعبه استانبول (اداره رسیدگی به مأمورین گنگان) داده اند، مأموران خاصی از این شعبه با مسفولین سفارت و کنسولگری ایران در ترکیه قرار داد های کاملاً مخفی دارند که بموجب آن افراد ایرانی فاقد پاسپورت واقعی را که در شهرهای غیر مرزی از جمله در استانبول و آنکارا دستگیری نمایند، د صورتی که حکومت جمهوری اسلامی خواهان استرداد آنان گردد، بدون طی حتی مراحل ظاهراً قانونی و به صورت مخفیانه به آنها تحویل می دهند. برخورد مقامات ترکیه با کسانی که بصورت غیرقانونی به ترکیه آمد هاند عموماً توهین آمیز و غیر انسانی و توأم با ضرب و شتم و فشارهای روانی و جسمانی است. میزان رشوه خواری و اخاذی مأمورین ترکیه فوق العاده بالاست و بدین ترتیب کسانی که استطاعت مالی ندارند در وضعیت بدتری به سر می برند. کسانی که بشکل غیر قانونی وارد ایران کشوری می شوند اگر گرفتار پلیس نشوند بالا جباراً از طریق قاچاق به کشورهای دیگر رهسپار شده و پناهنده می گردند و یا از طریق د فتر سا زمان ملل متحد IOMC اقدام به تقاضای پناهنده گی می نمایند. د صورت اول مجبورند که مقداری زیادی

پول به قاچاقچی بپردازند که خود این عمل توأم با ریسک زیاد است. بیشترین اشخاص ترجیح می دهند که از طریق د فتر سا زمان ملل (UN) اقدام نمایند. پاسخ مقامات مسفول این د فتر به آنها اینست که: "باید خود را به پلیس ترکیه معرفی نمائید" و پاسخ پلیس ترکیه در بهترین حالت ممکن این است که: "خود را به مرکز پلیس استان مرزی همجواری ایران که از آنجا وارد ترکیه شده اید معرفی نمائید". د غیرابنصورت و بدون د اربودن کارت اقامت موقت پلیس ترکیه، UN ترتیب اثری به خواسته های فرد پناهنده نمی دهد. معرفی به پلیس توأم با خطرات زیادی است. معمولاً فردی که خود را به پلیس استان مرزی معرفی می نماید، دستگیر و زندانی می شود و تا تشکیل دادگاه باید در زندان بماند و نیز موارد متعددی از استرداد آنها به ایران وجود داشته است؛ بطور مثال د اوائل ژانویه ۷۲ شخصی که از سرپل فرار کرده و خود را به پلیس مرزی معرفی کرده بود، همان روز به همراه چند تن دیگر به مقامات ایرانی تحویل داده شد. این شخص اکنون در زندان سپاه است و قرار است پس از پایان مدت محکومیت به خط اول جنبه اعزام شود.

وضعیت زندانها فوق العاده بد و غیر انسانی است. معمولاً کسانی که استطاعت مالی ندارند می توانند حد اقل امکانات مورد نیاز خود را فراهم سازند و بقیه د وضعیت بسیار اسفباری بسر می برند.

یکی د یگرا مسائلی که این افراد را رنج میدهند داشتن امکانات حد اقل معیشتی است. افرادی که خود را به سازمان ملل و پلیس معرفی می کنند هیچکدام امکان مالی برای خروج غیرقانونی ندارند. این افراد بعد از تحمل رنج و مشقت زیاد انتظار دارند د رمدتی که منتظر جـواب سازمان ملل برای رسیدگی به وضعیتشان می باشند از سوی مقامات سازمان ملل و بر بنیای ضوابط و مقررات آن کمک هزینه حد اقلی را دریافت دارند ولی این انتظار به بهانه های مختلف برآورد نمی شود. افرادی که بطریق قانونی به قصد پناهنده گی به دیگر کشورهای وارد ترکیه می شوند، بیشترشان کسانی هستند که عمده د آرائی خود را در ایران می فروشند تا بتوانند با این پول خود را به کشور مورد نظر رسانند و پناهنده گی بگیرند. به دلیل محدودیت های زیاد خروج و ورود غیرقانونی به کشورهای دیگر و بخصوص بعد از بسته شدن راه آلمان شرقی - برلین غربی (فریدریش اشتراسه)، هزینه اینگونه مسافرت ها فوق العاده افزایش یافته و بیشترین مقدار این هزینه به جیب دلها و قاچاقچی های مرزی رود. نرخ قاچاقچی ها به کشورهای مختلف متفاوت می باشد؛ بسته به دوری و نزدیکی و نیز مشکلات و مخارج سفر، قیمت ها نیز فرق می کند. کمترین مقدار حدود ۲۰۰۰ الی ۲۵۰۰ دلار و بیشترین مقدار که برای کانادا ایالات آمریکا است

۵۰۰ دلار به بالا است. اینگونه مسافرت ها معمولاً توأم با انتظار زیاد و ریسک فراوان است. مقدار زیادی از این مسافرتین موفق به مسافرت و پناهنده گی نمی گردند و در نتیجه، تمام پول و یا مقدار قابل توجهی از آن نصیب دلها و واسطه ها و قاچاقچیان می شود و آنها بعلت کمبود پول، امکان خروج از ترکیه را از دست می دهند و چاره ای ندارند جز اینکه به سازمان UN مراجعه کرده و یا به ایران بازگردند - که معمولاً به دلیل عدم پذیرش و برخورد غیرمسئولانه سازمان UN یا مجبور به بازگشت به ایران می شوند و یا باید تـرین شرایط و یا نا امید د و ترکیه گذران می کنند تا شاید د آینه ها مکان روزنه امید برای برایشان پیدا شود - برخی از این افراد حتی مجبور می شوند برای امرار معاش خود و خانواده شان پاسپورت خود را بفروشند.

معیارهای سازمان ملل برای پذیرش پناهنده، چهارچوب ثابت و شخصی ندارد و در صورت وجود شرایط لازم برای پناهنده گی، افراد واجد شرایط عموماً پذیرفته نمی شوند. این امر موجب برانگیختن اعتراض بسیاری از ایرانیان متقاضی پناهنده گی شده است. د همین رابطه است که

پناهنده های بنام تبریزی، خود را جلوی د فتر UN در آنکارا به آتش کشید. بعد از عوض شدن مسفول امور پناهنده گی UN (بوکلی Bookly) برخورد د فتر UN در پاره ای موارد صرفاً اداری، بهتر شده ولی باز هم برخورد مسفولین و نیز مترجمین د فتر، اساساً در چهارچوب قرارها و موازین حقوق بین المللی نیست. این برخورد ها ظاهراً به این دلیل که می بایست افراد واجد شرایط از افراد دیگر تمیز داده شوند به گونه ای تنظیم سازمان داد می شود که فرد متقاضی پناهنده گی می بایست الزاماً به سئوالا تی جواب دهد و یا مسائلی را علنی سازد که بهیچوجه ربطی به موازین حقوقی فوق الذکر ندارد. مثلاً فردی که خود را پناهنده سیاسی معرفی می کند باید محلی که در ایران فعالیت می کرده، اسم مسفول خود، محل چاپ نشریات گروهش، چگونگی بردن نشریات به داخل کشور، اسامی اصلی تعدادی از افراد کمیته مرکزی سازمان سیاسی - اش و چگونگی خروج از ایران را روشن کردن ریزه کارهای ربطی به موضوع ندارد و همچنین اینکه آید و ترکیه با سازمان سیاسی مربوطه تماس دارد و چگونگی این تماس و مسائلی از این قبیل را بطور دقیق بازگو نماید که معمولاً افراد سیاسی از خیر این اصطلاح مصاحبه ها می گذرند و پرونده شان را می بندند. این موارد و موارد مشکوک د یگرا جمله گم شدن تعدادی از پرونده ها به همراهی یک مترجم موجب عدم اعتماد برخی از ایرانیان به این د فتر شده است. مورد دیگری نیز وجود داشته که نشان دهنده برخورد غیرمسئولانه و شک برانگیز مسفولین این د فتر است. مثلاً به شخصی که درجه د انبوری در یافقی جمهوری اسلامی بوده و از ایران فرار کرده و به سازمان ملل برای پناهنده گی مراجعه کرده، در صفحه ۱۴

## فرخی یزدی، لبان دوخته زحمتگشان (۱)

☆☆☆☆☆☆

هرگز دل ما ز خصم در ربیم نشد  
در ربیم صاحبان دیهیم نشد  
ای جان بقدری آنکه پیش دشمن  
تسلیم نمود جان و تسلیم تشد

انقلاب مشروطیت در رویش در دزد ناک و غرور انگیزش بمانند بسیاری از انقلابات عصر خود - به ویژه در شرق - علیرغم تمامی جانفشانی‌ها بر اثر عدم بلوغ تاریخی، به گل نشست اما میوه نداده بزمرد هفتگفت. بورژوازی ایران ناتوان تر از آن بود که قدر بیاورد و در رنجه راهی معالمان نشیند و قوی ترین بخش آن که خود معتاد به معالمان بود و سود اگر راه روم معالمان را خوب میشناخت و از همان ابتدا به معالمان نشست. مردم میهن ما علیرغم جانفشانی‌های بسیار تنها چند صبح‌های طعم آزادی را چشیدند. در راه مکرر ساسی که خواست انقلاب مشروطیت بود چه بسیار شهیدان که برخاک افتادند و فرخی یزدی یکی از چهره‌های صمیمی و جسور و پاک‌باخته این نبرد بود.

دشمنان مرد همه جا باد شنه‌های عربان و پنهان بر تمامی جلوه‌های آزادخواهی، بر مطبوعات انقلابی و مترقی که نقش قابل توجهی در مبارزه علیه استبداد و در دفاع از استقلال و آزادی این مرز و بوم ایفا مینمودند و بر هر شکل تفرقه‌خواه و عناصر و شخصیت‌های ملی و مبارز و... حمله آورده و از زمین میبردند. هر کجا که میتوانستند آشکارا و سبانه گردن میزدند و هر کجا که نمیتوانستند به توطئه و گسترده دام می‌پرداختند.

امپریالیسم انگلیس که مدتها گوش خوابانده بود و در تمام طول انقلاب نیز لحظه‌ای از توطئه و تحریک و دخالت و جایگزین کردن مهره‌هایش قفل نبود، حال در رتد ارکان آوردن عروسک خیمه‌شب‌بازی خود، عروسکی با سبیل چخماقی و پوتین‌های ساقه‌بلند و براق، به انداز کافی جلاد و قزاق منش، چون رضاخان میرنچ بود. او میبایست به همراه مدافع احمد شاه و نوابی از آخرین دست آورد های انقلاب مشروطه، به "سردار سپه" و سپس رضاشاه و بعد از آن اعلیحضرت رضاشاه و... ارتقاء یابد. این ارتقاء سرطانی بسیار خون می‌طلبید و فرخی یزدی یکی از قربانیان این جنایات بی‌شمار بود.

فرخی یزدی در سال ۱۲۶۶ شمسی در ری متولد شد. او را با اختراعات تحصیلات مقدّماتی در مدرسه مدرسین انگلیسی‌های یزد بدلیل درگیری با اولیای مدرسه و سرودن اشعار "شورش‌ی" اخراج گردید. بعد از آن مدتی در حرفه‌های پارچه‌بافی و نانواچی کار کرد و با آغاز جنبش مشروطیت بدفاع از آن پرداخت. تواناقتی در سرودن اشعار با مضامین سیاسی و دفاع از آزادی و منافع زحمتگشان بزودی در استان بسیار و دشمنان بسیار برایش با ارمغان آورد. فرخی در سال ۸۸-۱۲۸۷ راهی تهران شد و شروع به انتشار نظراتش در روزنامه‌ها نمود.

او که دشمن استعمار و طبقات ستمگر بود با شروع جنگ اول به بین‌النهرین رفت و از طرف دولت انگلیس مورد تعقیب قرار گرفت و در مسافرت مخفیانه به ایران مراجعت نمود. او امپریالیسم انگلیس را بعنوان دشمن آزادی و استقلال میپنداشت. میشناخت و در مقالات و اشعارش بدان می‌تاخت. فرخی در برگشت به ایران مورد سوء قصد قرار گرفت ولی جان بسلاست برد. او مبارزه‌ای سخت علیه قرارداد اسارت بار ۱۹۱۹ و علیه و شوک - الدوله پیش برد که منجر به زندانی شدن او گردید. تا این زمان هنوز بیکر انقلاب مشروطیت بخاک سپرده نشده بود و مبارزات فرخی با زندان و سوء قصد و تهدید و... جواب داده می‌شد. در رکود تالی ۱۲۹۹ با زهم و چند ماهی زندانی گردید. او برای گسترش مبارزه‌اش علیه ارتجاع در سال ۱۳۰۰ به تاسیس روزنامه "طوفان" پرداخت.

روزنامه "طوفان" با کلیشه سرخ که جانبداری آن را از زحمتگشان و انقلاب نشان میداد منتشر گردید. مقالات تند و اشعار تند و گیرا انتقادی روزنامه طوفان چون شلاق بر بیکر ارتجاع و عوامل امپریالیسم فرود می‌آمد و آنان کینه‌ای عمیق از فرخی بدلی می‌گرفتند و در آن علیه آن توطئه می‌کردند. روزنامه طوفان در طی سه سال انتشار ۲۷۰ شماره بیش از ۱۵ بار توقیف شد و فرخی بارها با خطر آن به زندان رفت. فرخی هر بار با استفاده از امتیاز روزنامه‌های دیگر مثل "بیکار"، "قیام"، "طلیحه"، "ستاره شرق" و... به مبارزه خستگی ناپذیرش ادامه میداد.

در سال ۱۳۰۵ در دهمین سالگرد انقلاب کبیرا کبیر، فرخی یزدی برای شرکت در جشن اتحاد شوروی دعوت گردید که طی یازده روز اقامت در نظومه‌ای سرود که در روزنامه‌های آنجا بچاپ رسید. پس از مراجعت مقاله‌ای بنام "چور و ستم - های دیکتاتوری" را ترجمه و در "طوفان" بچاپ رساند که باعث توقیف آن گردید.

فرخی در سال ۱۳۰۷ بعنوان نماینده مجلس شورای ملی (دوره هفتم) از طرف مردم پیروز انتخاب گردید. او که در مجلس جزو اقلیت بود مرتب مورد اهانت و توهین قرار میگرفت تا جائیکه به او حمله گردید و شدت کتک خورد. او بعد از آن مدتی در مجلس متحصن گردید و بعد نبال آن توانست از آنجا گریخته و مخفیانه راهی اتحاد شوروی گردد.

فرخی از اتحاد شوروی به بولین سفر می‌کند و در آنجا روزنامه‌های علیه رژیم منتشر مینماید. رژیم سوسی در توقیف آن میکند اما شکست می‌خورد. در اواخر زمان تیمورتاش، وزیر دربار وقت، به اروپا سفر کرد و با فرخی ملاقات میکند و به او اطمینان می‌دهد که اگر به ایران برگردد هیچگونه مزاحمتی برایش فراهم نمیشود. فرخی به ایران (۱۲-۱۳۱۱) برمیگردد.

فرخی از همان بدو ورود تحت نظر است. بعد از یکسال به در بند شمیران نقل مکان می‌کند که در آن جا شدید تر تحت نظر و کنترل قرار میگیرد و

شعری با مطلع زیر میسراید:  
ای که برسی تا به کی در بند در بندیم ما  
تا که آزادی بود در بند در بندیم ما  
اکنون رضاخان میرنچ بر همه جا چنگ انداخته است. ارتقاء سر جوخه به اعلیحضرت قدس قدر بدین نابودی بقایای مشروطیت و فراهم آوردن دستگاه عریض و طویل سرکوب و قهر بیسی و رعب و وحشت مقدور نگشته است. اکنون علیه فرخی به اتهام قروض بودن ۳۰۰۰ ریال (سه هزار ریال) اجرائیه صادر میگردد. وقتی فرخی پیش نهاد مقرر ماهیانه ۵۰۰ ریال از طرف رئیس شهرستانی وقت یا شغلی در تشکیلات شهرستانی را رد می‌کند بزندان افکنده میشود.

توطئه گسترش می‌یابد و پرونده‌های سیاسی به عنوان "اسائه ادب به مقام سلطنت" علیه او تشکیل داد و او را به زندان شهرستانی منتقل مینمایند. طی محاکمه‌های ماه زندان محکوم میشود. او در تمام طول محاکمه کاملاً سکوت اختیار می‌کند و در آخر جلسه فقط این جمله را بر زبان می‌راند: قضاوت نهائی با ملت است و حکم را رویت و امضا نمی‌کند.

تود را با جنگ صنفی آشنا باید نمود  
گشمگش را بر سر فقر و غنا باید نمود  
در وصف حزب فقیران اغنیاء کردند جای  
این در وصف واکا ملا زهم جد ابا بد نمود  
این بنای کهنه پیوسید و هر آن گشته است  
جای آن با طرح نواز تو بنا باید نمود  
تا مگر مدخل و تسوی در رشر مجری شود  
انقلابی سخت در دنیا با باید نمود  
سکنت را محو باید کرد بین شیخ و شاه  
معدلت را شامل شاه و گدا باید نمود  
از حصر شیخ آید در مدم به سوی ریا  
چاره آن با ریا و پوریا با باید نمود  
فرخی بی‌ترک جان گفتن در این ره با ضنه  
زانکه در اول قدم چنان راندا باید نمود

فرخی در زندان علیرغم فقدان بودن مطالعه و نوشتن، مخفیانه می‌سرود و می‌خوشید. بهین خاطر به تحریک مقامات زندان همیشه مورد حمله و ضرب و شتم عوام مزدور و روسا سوسان رژیم قرار میگرفت. تمامی فشارهای لازم علیه او بکار گرفته شده بود که یا وفا و متن در رهم شکسته شود یا نابود گردد.

سرانجام در سال ۱۳۱۸ فرخی یزدی شاعر انقلابی و شوریده به دست مزدوران رضاخان به شهادت رسید. ابتدا او غذایش سهریختند ولی او که متوجه شد به خود نخورد. همان شب او را به بیمارستان زندان برد و در آنجا با تزریق آمیول هوا بوسیله پزشک در آن ویکمعه‌های جنایتکار دیگر به شهادت رسید.

۱- در سال ۱۲۸۸ حاکم یزد بخاطر اشعار انتقادی که فرخی یزدی سرود و در رسید نوروز در حضور او خوانده بود بخشم آمد و دستور داد که در همان فرخی را با نخ و سوزن دخته و به زندان بیاورد. فرخی بعد از آن تالخله بزرگ قهرماناناش هرگز از سرودن برای آزادی و به دفاع از محرومان دست نکشید.

# مبارزه ایدئولوژیک به شیوه اپورتونیست‌ها

شیوه‌هاست و حزب و سازمان سالهاست این طریق معقول را پیش گرفته‌اند. این روش را هیچ دگرگانه‌ای از حزب اپورتونیست به منسجم‌ترین صورت در دیدگاه‌های حزب توده و شوریه‌هاست. پوشش اپورتونیست‌ها برای ممانعت از مبارزه ایدئولوژیک و مطلع شدن توده‌ها از مشاجرات واقعی در جنبش کارگری و "دعواهای میان کمیته مرکزی" معمولاً حول این توجیهات میگردد که این مشاجرات به وحدت جنبش صدمه میزند یا اینکه جنبه انقلاب را در برابر ارتجاع و امپریالیسم تضعیف میکند. انحراف اساسی این جنبش در اینجاست که اولاً به مبارزه ایدئولوژیک بحث‌ها به یکی از اشکال مبارزه طبقه کارگری نگردد، ثانیاً هدف از مبارزه ایدئولوژیک رانه ارتقا آگاهی و پیش طیفه کارگری بلکه وسیله‌ای در دست نخبگان طبقه برای بهتر کردن مناسبات آنها می‌نگردد ثالثاً همواره میان مبارزه ایدئولوژیک و مناسبات براد رانه "تعارض می‌بیند. یعنی اینست که مانعاً الجمع می‌داند. مثلاً در همین شق اخیر حزب توده در مقاله مذکور خطاب به اکثریت می‌نویسد: "ما معتقدیم روابط براد رانه میان حزب و سازمان چنان شرایطی را بوجود آورده که بتواند مسائل مورد بحث رانه در صفحات ارگانهای مطبوعاتی، بلکه پشت میز مذاکره مورد بررسی قرار دهند و نتیجه مطلوب برسند. به همین سبب ما تأسف خود را از کشاندن شدن مسائل مورد اختلاف به صفحات روزنامه ارگان از رفق پنهان نمی‌داریم". میدانیم که حزب توده و اکثریت از همین موضع روش لنینی مبارزه ایدئولوژیک ما را با احزاب کمونیست مورد حمله قرار میدهند. روش لنینی در مبارزه ایدئولوژیک اما با اصل قرارداد آن در حالت کارگران در تمامی مباحثات و مشاجرات میان احزاب طبقات مختلف منجمله در جنبش کمونیست هرگونه برد پویشی و هر نوع محدود کردن در آینه مبارزه میان گروه خاصی ز روشنفکران را مردود میداند و از مبارزه ایدئولوژیک کلنی دفاع میکند. همچنین آنها را که از طرح مسائل در جنبش سوسیالیست مکرراً بخاطر بهره برداری بیژواری و دشمنان طبقه کارگری می‌رسانند به باد انتقاد میگردد. در پیشگفتار رساله "یک‌گامه پیش" لنین خطاب به مخالفین سوسیالیست د مکرراً چنین می‌نویسد: "انها از ملاحظه مشاجرات ما زهر خند می‌زنند و در کجی می‌کنند، آنها البته خواهند کوشید از بعضی قسمت‌های رساله من که به نواقص و نارسائیهای حزب ما مربوط است برای مقاصد خویش استفاده نمایند. ولی سوسیالیست د مکرراتهای روس اکنون بحد کافی در نبرد ما آماج تفرقه رگرفته‌اند که از این نیشها متأثر نشوند و بطور عمده این نیشها بکار خود در مورد انتقاد از خود و اقبای بیرحمانه نواقص خویش، که رشد جنبش کارگری آنها را حتماً و جبراً بر طرف خواهد نمود ادامه دهند. نه فقط در این رساله بلکه در تمامی جزواتی که لنین در برابر انحلال طلبان کارگران را از مداخله و اختلافات منع میکنند به رشته تحریر آورده کارگران را فرامیخواند تا با دقت و وجدیت تمامی مناظرات میان فراکسیون‌های سوسیالیست د مکررات را مورد توجه قرار دهند. این تفاوت فاحش روش مبارزه ایدئولوژیک میان کمونیست‌ها و اپورتونیست‌ها دقیقاً ادامه روش‌های متفاوت آنها در عرصه مبارزه سیاسی است. برای اپورتونیست‌ها، که همواره در عرصه سیاسی چشمه‌بالا دارند و پنهان از چشم کارگران حل مسائل را در ریش می‌زنند اگر جستجو میکنند، ابداً تعجب اپورتونیست‌ها در عرصه مبارزه ایدئولوژیک نیز زود و بنده مخفیانه و تشکیل کمیسیون را بجای مبارزه ایدئولوژیک علنی و مداخله‌گرانه قرار دهند. و اکنون حزب توده در مقاله "پیرامون مقاله" برای دستیابی مشترک به حقیقت" یکی از تئوریک‌ترین نوع این روش اپورتونیستی را به ما معرفی کرده‌است. هم‌این حزب و هم‌سازمان اکثریت علیرغم خواست قلبی‌شان به این بحث علنی کشیدند. ما این حال برای اینکه به اصول اپورتونیسم کا ملاً پشت نگردد باشند و برای اینکه احیاناً منشأ دگرپهائی در باقین نشوند روح نازک وحدت‌ها و اتحادها را خدشه‌دار نگردد باشند چنان ملاحظاتی نسبت به هم در پیش گرفته‌اند که مثال زدنی است. ما فکر میکنیم با این لطف و مظلومیتی که میان رهبری اپورتونیست اکثریت و حزب توده وجود دارد "حقیقت مشترک" حتماً دست‌یافتنی است!

برای رهبری سازمان اکثریت د چیز همواره در آرای ارزش یکسان بوده است، یکی حفظ وحدت تشکیلاتی و دیگری اتحاد با حزب توده. این دو، بر زمینه‌ای از شکست خط مشی رفرمیستی و بی‌داری بخش بزرگی از نیروهای وابسته به این دو سازمان در تناقض با یکدیگر افتاده‌است. حل این تناقض محور اساسی کلیه اقدامات رهبری اکثریت از شروع دوره اپورتونیسم اجباری را تشکیل داده است. پذیرش صوری پاره‌ای انتقادها و حفظ یک‌آرنج فاصله با حزب توده و جنبه اصلی از این محور می‌باشد. حرکت رهبری اکثریت اکنون شبیه کسی است که روی بند راه می‌رود. شروع مباحثه‌علنی اکثریت با حزب توده و مخصوصاً واکنش عصبی و برآشفته حزب توده در تناقض یاد شده و رانگاهان در موقعیست حساستری قرار داد. و خجسته‌تر شدن این تناقضات تنها باعث کشید شدن تفاوتهای فکری این دو جریان در موضوع خط مشی حزب در سالهای ۱۹۶۱-۵۷ بر صفحات روزنامه ارگان "نمی‌باشد، بلکه بخاطر شیوه اپورتونیستی که در این مباحثه بکار رفته و البته از اپورتونیست‌ها جز این هم انتظار نمی‌رود نیز می‌باشد. اکثریت که در رپنوم ۵۶ قول "نبرد قاطع و پیگیر" با انحرافات راست و چپ زاداد ه بود در کار شماره ۳۹ در مقاله با عنوان "برای دستیابی مشترک به حقیقت" چشمه‌ای از این نبرد قاطع با حزب توده را که بیشتر به مغالطه و دلداد شبیه است را به نمایش گذاشت. اکثریت با احتیاط تمام بگونه‌ای که ایدئولوژی جنبش به حزب وارد نشود حزب را دعوت کرد تا از زخوشیطان پائین بیاید و با واقع بینی انتقاداتی را که به مشی حزب در دوره زمانی ۱۹۶۱-۵۷ وارد است بپذیرد. اما حزب توده که از عواقب این خرد و انتقادات باخبر است و میدانند که در جایی گرفتار شده که کوچکترین عقب نشینی به موقعیتهای برآرتب ویران کننده متر از وضع فعلی منجر خواهد گشت، در نامه مرد ۱۵۸۸ با غیظ از این برخورد ناشایسته و بیچگانه اکثریت ضمن پرده برداری از بعضی مسائل پشت پرده می‌نویسد: ما مخالف بحث پیرامون اختلافها نیز نبودیم و حتی تصمیم مشترک برای ادامه بحث در سطح رهبری نیز اتخاذ شده بود و بدین منظور "کمیسیون مشترک" نیز تشکیل شده بود. در واقع حزب توده به دست می‌دست است که رهبری اکثریت زیر قول و قرارها زده و مسائل را به صفحات روزنامه‌ها کشاند. ما معتقدیم که حزب توده از اینجاست که می‌بیند اکثریت رعایت حال او را نمی‌کند بنابراین به ناراحتی می‌نویسد "بهر حال بحثی آغاز شده و ما مجبوریم به آن پاسخ دهیم. ولی برای اینکه توهمی پیش نیاید و اکثریت گمان نکند که حزب از این "مباحثه" جا خورده بطور وقیحانه‌ای از خط مشی خیانت با خود پس از انقلاب به دفاع برمیخیزد و می‌نویسد: "به باور ما استراتژی حزب (در پس از انقلاب) کا ملاً صحیح بود و چنان که در ارزیابی کنفرانس ملی آمد داشته‌است و در انتخاب برخی تاکتیکها بوده‌است و برای توجیه همین "برخی تاکتیکها" بلافاصله اضافه می‌کند که "باید متذکر شد که حتی اتخاذ تاکتیک صحیح نیز چه بسا به تحقق حتی استراتژی نمی‌انجامد". دفاع حزب توده از سیاست پس از انقلاب، چنانکه مشاهده‌است و ست به اینجاست خاتمه نمی‌یابد و با صراحت به همکاری همه‌جانبه و تا به آخر با رژیم ارتجاعی اسلامی مباحثات می‌کند "توده‌های ما افتخار میکنند که با فد آکاری و از جانب گذشتگی توانستند برنا به حزب (تحکیم و تثبیت و شکوفایی جمهوری اسلامی) را به چنان نیروی مادی (استقرار رژیم فقها و ارگانهای سرکوبگر ولایت فقیه) تبدیل کنند که امروز حتی دشمنان آن (طبقه کارگر و اقشار مختلف مردم) در اج. نیز بدان معترفند. "یک چنین موضع انعطاف ناپذیری از طرف حزب متقابلاً اکثریت را که به انعطاف احتیاج دارد با دشواری روبرو می‌سازد. صرف نظر از انگیزه‌ها و نتایجی که بر این گفت و شنودهای براد رانه حاکم است روشی که در طرف در طرح و حل مسائل به اصطلاح مورد مشاجره بکار می‌برند حائز اهمیت است. محتوای این روش اپورتونیستی آنست که مسائل باید دور از چشم مردم و در آن بالا بالا ها حل و فصل شود. طرح اختلافات در میان اعضا و هواداران به بد حالت آنها و ایجاد هرج و مرج منتهی میگردد. حزب توده در این باره در مقاله مورد نظر با فرمول در رخشان این متد لوزی و چنین بیان میکند: "مشاوره در سطح رهبری برای حل مسائل مورد اختلاف بهترین و اصولی ترین



## نشست در مورد وضعیت پناهندگان ایرانی

گزارشی را که در زیر خواهید خواند، توسط یکی از رفقا برای ما ارسال شده است. از آنجا که مطلب حاضر حاوی نکات مهمی است، به درج آن اقدام می‌کنیم.

ساعت ۸ شب ۱۲ مه جلسه‌ای در رکورهایس - یاد فیلیپ (یکی از شهرکهای اطراف فرانکفورت - آلمان غربی) برای صحبت در مورد وضعیت پناهندگان ایرانی تشکیل شد. برای این جلسه که به دعوت "گروه کار برای پناهندگان" در یاد فیلیپ تشکیل شد، در حدود ۴۰ دعوت‌نامه کتبی به سازمانها و نهاد های ذی‌علاقه ارسال شده و به شکل پلاکارد و آگهی در روزنامه نیز اعلام شده بود. علیرغم آن، تنها حدود ۲۵ نفر در این جلسه حضور پیدا کردند. از جمله در عکاس و یک خبرنگار از فرانکفورت روندها و از پناهندگان هم نیز فقط عنقریب ایرانی شرکت کردند.

در این جلسه، ابتدا یکی از پناهندگان ایرانی ماجرای سفر غیرقانونی خود از مرز پاکستان و مشکلات آن را شرح داد. سپس آقای "وای سینگر" که همراه هیئتی برای بررسی وضع پناهندگان ایرانی در ترکیه به آنجا سفر کرده بود، گزارشی در این مورد ارائه داد. وی گفت که تعداد ایرانیان در ترکیه در حدود چهارصد هزار نفر است. این رقم تقریباً نصف تعداد ایرانیان در ترکیه است. آنها از نظر وضع اقامت به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول که در حدود ۷۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شوند اقامت قانونی دارند. دسته دوم پاسپورت قانونی دارند ولی اجازه اقامت ندارند. این دسته هر سه ماه یکبار بانوهای تقریباً از آن به کشوری مثل رومانی سفر می‌کنند و به این ترتیب اجازه اقامت توریستی خود را تمدید می‌کنند. وی مواردی از تنش یا هفت بار سفر را مشاهده کرده بود. دسته سوم که تعداد آنها دقیقاً مشخص نیست نه پاسپورت معتبر و نه اجازه اقامت دارند و شرایط بسیار بدی پسر می‌برند و قانونی کردن آنها بسیار مشکل‌ناظر می‌رسد. علت امر اینست که ترکیه تنها واریانت "ب" از کنوانسیون ژنو را امضاء کرده است. (واریانت "ا" پذیرفته شده پناهندگان را منظور کرده و واریانت

"ب" فقط پذیرش پناهندگان اروپایی است) واریانت را امضاء نکرده است. وی گفت که از این عده تنها ۲۰۰ نفر در سال قادر خواهند بود به مقصد کشورهای نظیر نروژ، هلند، کانادا، آمریکا خارج شوند. طبق اظهارات ایرانیان همکاری نزدیکی بین دولت ایران و ترکیه بر سر سرکسوب کردها وجود دارد که فرار افراد از مرز ترکیه را بسیار مشکل و تحویل دادن ایرانیان قرار می‌دهد و دولت ایران را محتمل می‌کند و چنین امری منطقی می‌تواند صحت داشته باشد. آقای "وای سینگر" که شخصاً با مقامات سفارت آلمان در ترکیه ملاقات کرده بود، اظهار می‌داشت که این مقامات عملاً ایرانیان را برای کارهایشان سر می‌دانند.

سپس آقای "هنز مان" دربارهٔ محدودیت قوانین پناهندگی در آلمان از سال ۱۹۸۲ به این طرف صحبت کرد. وی گفت که تعداد پناهندگان در آلمان بسیار ناچیز است. درصد پناهندگان به کل جمعیت آلمان قبلاً حدود ۲٪ بود که ممکن است ما کمترین به ۴٪ در سالهای اخیر رسیده باشد. بطور مثال در ۱۳ مارس ۸۶ رأیالت هسن حدود ۷۵۰ پناهنده و متقاضی پناهنده‌گی وجود داشته و وی محدودیت‌های اخیر را به شرح زیر برشمرد:

۱- قبلاً متقاضیان پناهنده‌گی می‌توانستند وارد وگاههای پناهنده‌گی را ترک کرده و خانه بگیرند. این حق بشدت محدود و در بسیاری نقاط لغو شده است.

۲- پناهندگانی که از بلوک شرق می‌آمدند تا یک سال و پناهندگان کشورهای جهان سوم تا دو سال حق کارند اشتند (در صورت عدم شناسایی بعنوان پناهنده). این مدت به ۲ سال برای گروه اول و ۵ سال برای گروه دوم افزایش پیدا کرده است.

۳- کمک سوسیال (اداره امور اجتماعی) که قبلاً غالباً نقدی پرداخت می‌شد، به شکل جیره خشک یاغذادآمده و در مورد لباس بشکل Schein (برگه‌ای که پناهنده از طریق تحویل آن به فروشگاه می‌تواند لباس به‌همان قیمت درج

شده در آن برای خود بخرد) تغییر یافته است. ۴- اینکه متقاضی پناهنده‌گی باید حتماً در محدوده معینی زندگی کرده و حق خروج از آن نداشته باشد، از موارد جدید محدودیت حقوق پناهنده‌گی است.

۵- جریمه و مجازات‌های جدید برای اعتراض پناهندگان به وضعیت زندگی خود.

۶- قبلاً اداره سوسیال پول کلاس زبان برای متقاضیان پناهنده‌گی می‌پرداخت که این مسئله حذف شده و فقط گروه‌های داوطلب برای پناهندگان کلاس می‌گذارند.

۷- طبق مقررات اخیر، برای گرفتن پناهنده‌گی باید ویزا داشت، و شرط دادن ویزا اینست که فرد متقاضی پناهنده‌گی نکند!

۸- ویزای ترانزیت اجباری شده و چنانچه کسی از چند کشور بشکل ترانزیت عبور کند، برای همه آنها ویزای ترانزیت باید داشته باشد (منظور سفر هوایی است)

۹- برای شرکت‌های هواپیمایی، اگر افرادی را باید ارک جعلی وارد کنند، ۲۰۰۰ مارک جریمه تعیین شده است. طبق نظر آقای "هنز مان"، مقدار جریمه اصل مطلب نیست، بلکه اصل مطلب اینست که آژانس‌ها حاضر نیستند در عواید حقوقی با دولت درگیر شوند و لذا ورود افراد را بشدت کنترل می‌کنند.

۱۰- اخیراً مرز ترکیه، بکک و ولست آلمان کنترل کامپیوتری تعبیه شده، که خروج پناهندگان را از این کشور بشدت محدود می‌کند.

۱۱- موارد بسیاری از پورت غیرقانونی متقاضیان پناهنده‌گی از مرز بلژیک و غیره دیده شده که مطرح کرده‌اند: "تواظریق یک کشور دیگر (مثل پاکستان) آمده‌ای و حق تقاضای پناهنده‌گی در آلمان رانداری".

در پایان نشست بحث آزادی انجام گرفت و طی آن شرکت کنندگان در لایحه‌هایی که دولت آلمان علیه پناهندگان اتخاذ کرده است را مورد بررسی قرار دادند.

## نژاد پرستی را متوقف کنید!

استکهلم - سوئد: روز شنبه ۷ ژوئن استکهلم شاهد تظاهرات پرشکوهِ بیش از ۲۰۰۰ نفر از ملیتهای گوناگون (سوئد، یمن، مهاجرین و پناهندگان) علیه راسیسم (نژاد پرستی) بود. پیش از صدها پلاکارد و پرچم در دستهای تظاهرکنندگان حمل می‌شد و هم‌عکاس و خبرنگار به همراه صف راهپیمایان حرکت می‌کردند. گروه رقص و موسیقی جلوی صف و صدای راهپیمایان، که فریاد می‌زدند: "ما بسیاریم، ما قوی هستیم، راسیسم را متوقف کنید! همین حالا - همه بستگی بین المللی - راسیسم را متوقف کنید! ...". توجه همگان را بخود جلب کرده بودند. تظاهرکنندگان از ملیتهای گوناگون (از آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا -

عرب، ایرانی، ترک، کرد، فلسطینی، فنلاندی، یونانی، نیکاراگوئه - از خاور و ...). همبسته و یکپارچه، برای انسانها را صرف نظر از نژاد، مذهب، رنگ و ملیت فریاد می‌زدند و هر گونه سرکوب و تحدید حقوق انسانی را محکوم می‌کردند. راهپیمایی پس از طی چند کیلومتر در خیابانهای مرکزی، در یکی از پارکهای شهری پایان یافت. در قسمت سخنرانی و قرائت پیامها، سخنرانی یک کشتی سوئدی جلب نظر نمود. او سخنرانی خود را با "سلام بر بیروت، سلام بر تهران، سلام بر تبریز، شیراز، استانبول، سلام بر آمریکا، لاتین و ...". شروع کرد و در ادامه ز سرکوب‌های خونین رژیم خمینی و رژیم‌های دیکتاتوری ترکیه و

عراق سخن گفت. وی همچنین خواستار توقف بی‌درنگ راسیسم در جامعه سوئد شده، به نقش سازمان ضد راسیسم سوئد (Säpo) در تقویت راسیسم اشاره کرده و دولت سوئد را شدد امور انتقاد قرار داد. در انتهای خواننده‌های از پارک به ترانه‌های زیبا برای نیکاراگوئه خواند و بدینسان تظاهرات بر علیه راسیسم با موفقیت خاتمه یافت. بدین‌انکه در رتوبیزون سوئد انعکاس یابد!

این تظاهرات بدعوت چند انجمن ضد راسیستی، چندین اتحادیه کارگری و پناهکار کانونها و انجمن‌های مهاجرین برگزار گردید. تعدادی از گروه‌های سیاسی ایرانی، از جمله رفقای ما، چند روز قبل از آغاز تظاهرات با پخش اعلامیه و چسباندن آفیش، فعالانه در سازماندهی تظاهرات شرکت کردند. در چند سال اخیر چنین اجتماعی بر علیه راسیسم در سوئد بی‌نظیر بود است.

### تظاهرات علیه بازداشت پناهندگان در کشتی

### تظاهرات ایستاده پناهندگان در شهر فلبرت

لندن

هفتم ژوئن ۸۷ بنابه دعوت یکی از گروه‌های ترقیخواه انگلیس بنام "گروه مبارزه ضد اخراج" HACKNEY Anti-Deportation Campaign تظاهرات ایستاده‌ای به منظور جلوگیری از اخراج تعدادی پناهنده، بعمل آمد. این پناهندگان هم‌اکنون در یک کشتی (EARL WILLIAMS) در بندر هارویج - HARWICH - که بعنوان بازداشتگاه موقت استفاده می‌شود، نگهداری می‌شوند. تظاهرات در کنار کشتی برگزار شد. تقریباً ۷ نفر از ملیت‌های مختلف از جمله ایرانی در آن شرکت کردند. ایرانیان سه که حدود ۳۰ نفر بودند به دعوت "کانن ایرانیان لندن" و "کمیته پناهندگان کانن"، در این تظاهرات شرکت کردند. تمامی خیابانهای اطراف بند رومحل تظاهرات بوسیله پلیس ضد شورش تحت کنترل قرار داشت. پس از پایان تظاهرات در ونفرا زسوی کانن و د ونفرا ز طرف کمیته پناهندگان با تلاش بسیار موفق شدند آزادانه مهاجرت اجازه ورود به کشتی را بگیرند. آنان با پناهندگان که تعدادشان ۸۱ نفر - از جمله ۸ ایرانی - بود، گفتگو و مصاحبه بعمل آوردند و از آنها عکس و فیلم برداری شد. گزارش این تظاهرات و شرایط روحی و زیستی تأسف آور پناهندگان این بازداشتگاه در روزنامه‌های محلی انعکاس یافت. گزارشی نیز در این مورد به سازمان عفو بین الملل داده شد.



آلمان غربی پناهندگان شهر "فلبرت" واقع در ایالت "نورد راین وست فالن" برای اعتراض به ماه‌ها فشار ناشی از شرایط نامناسب زندگی، در تاریخ ۴/۵/۸۷ در مقابل سوسیال (اداره امور اجتماعی) شهردست به تظاهرات ایستاده زدند. آنها با این اقدام خواستار بهبود وضعیت "لاگر"، بوجود آمدن امکانات ورزشی و برداشتن پول ماهیانه خود از طریق بانک گردیدند. طبق معمول اداره سوسیال از پذیرش خواست پناهندگان خودداری کرد. پناهندگان به حرکت خویش ادامه دادند و در زمین زنبورک‌های ترقی و پیشرفت آلمانی خواهان حمایت و انعکاس وضعیت خود در رسانه مردمی گردیدند. تعداد بسیاری از مردم شهر با جمع آوری امضا به حمایت از پناهندگان برخاستند و روزنامه‌های محلی نیز مشکلات آنها را منعکس کردند. پناهندگان در تاریخ ۸/۵/۸۷ با تهدید به اعتصاب و حمایت نیروهای آلمانی، موفق شدند بخشی از خواسته‌های خود را بگیرند.

#### اعتصاب برای اعتراض به کاهش حقوق و جیره غذایی

هانور - آلمان غربی: اخیراً اداره امور اجتماعی هانور ۸ مارک از حقوق ماهانه ۱۵ مارک از جیره غذایی ماهانه پناهندگان کم کرده است. در اعتراض به این فشارها پناهندگان در هانور بزرگ شهر هانور بناهای "هالتنهوف" و "شولنبورگر" از روز ۶/۶/۸۷ تا ۱۹۸۷/۶/۶ دست به تحریم گرفتن غذا زدند. نمایندگان اعتصابیون به ترتیب روزهای سه‌شنبه ۲/۶/۸۷ و پنجشنبه ۴/۶/۸۷ با حضور رسمی بنام "هفته اعتراض به دادن کوبین به پناهندگان" و "شورای پناهندگی" در وزارت تغذیه، خواستار به حق خود را مطرح کرده و با وزیر تغذیه آلمانی مذاکره نمودند. پناهندگان روز هفتم ژوئن دست یافتن به خواسته‌های خود به اعتصاب پایان دادند.

### کنفرانس علیه استرداد پناهندگان در لندن

گروه ضد اخراج "هکنی" (Hackney Anti Deportation Campaign) در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۷ برای افشا و مقابله با اخراج پناهندگان کنفرانسی را ترتیب داد. در این کنفرانس یک نماینده مجلس و چند تن دیگر سخنرانی کردند. کمیته پناهندگان کانن - ایرانیان لندن از این کنفرانس حمایت نمود و در آن شرکت کرد.

### پناهنده ایرانی خودکشی کرد

روز ۱۵/۶/۸۷ جسد یک پناهنده ایرانی ۲۲ ساله بنام بدیع در هانور پناهندگی شهر هانورهایم - آلمان غربی پیدا شد. او ۱ ماه بود که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته و به آلمان قدم رال آورده بود. کمیته دفاع از پناهندگان سیاسی - فرانکفورت در تاریخ ۲۵/۶/۸۷، رسماً این خبر ناراحت کننده را اعلام کرده و علت خودکشی را فشارهای روحی و روانی حاصل از تبعیضات، اجحافات و تحقیرهای دانست که هر روز هرساعت از طرف مقامات اداری و ولتی آلمان غربی بر پناهندگان روا داشته می‌شود.

### گزارش از اردوگاه پناهندگی "پتی شانو (بلژیک)"

می‌باشد پیوسته در جهت آزار پناهندگان قدم برمی‌دارد. او با استفاده از اختلافات بین ملیت‌ها بخصوص در جهت آزار پناهندگان ایرانی برمی‌آید و در این راه از برخی سبایه‌پوستان ناآگاه کمک می‌گیرد. پناهندگان این‌ها را پیوسته‌ها می‌نامند؛ از این قرار دارند:

- ۱- پذیرفتن کلیه ۴ پناهنده‌ای که از دوماه پیش به بلژیک آمد ولی هنوز بعنوان متقاضی پذیرفته نشده‌اند.
- ۲- برداخت حقوق تعیین شده، تهیه لوازم بهداشتی برای پناهندگان، اجازه خروج از هانور.
- ۳- رفع شرایط ناساعدت در هانور.
- ۴- تقسیم سریع از هانور مهربور به کوهنهای شهری.

کانن پناهندگان سیاسی هانور - آلمان غربی در شماره ۲۷ "خبرنامه" خود گزارش زیر را درج کرده است. ما برای اطلاع خوانندگان "پیام کارگر" عین گزارش را از خبرنامه مذکور نقل می‌کنیم:

"این‌ها می‌کنند که در بروکسل واقع شده است. در آلمان غربی ۴ پناهنده می‌باشد که از این تعداد تقریباً ۳ نفر ایرانی هستند. وضع بهداشتی هانور بسیار اسف‌بار می‌باشد. بطوریکه برای کل پناهندگان ۷ دوش وجود دارد و از این جهت اکثر د چار بیماریه‌ای پوستی هستند. آنها از گرفتار شدن (معرفی نامه ایست بجای پول - پیام کارگر) برای مراجعه به دکتر در مان بیماری محروم می‌باشند. رئیس هانور که شخصی بنام "پالینگ"

### تظاهرات علیه استرداد پناهندگان در بلژیک

روز چهارشنبه ۱۷/۶/۸۷ کنسول پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین غربی و Pluchburg, Kontakt Arabische Flüchtlinge آکسیون و اعلایه استرداد پناهندگان در جلوی دفتر هواپیمائی پان آمریکا برگزار کردند. این آکسیون که از ساعت ۴ شروع شده بود بمسدت ۵/۱ ساعت طول کشید. شرکت کنندگان در آکسیون عکس‌هایی از جنایات جمهوری اسلامی را به همراه داشتند. غیر از ایرانیان تعدادی از پناهندگان عرب و تعدادی از نیروهای آلمانی نیز در آکسیون شرکت کرده بودند.



## نامه سرگشاده پناهندگان ایالت بایرن به سازمانهای سیاسی و انجمنهای دموکراتیک پناهندگان

در تاریخ ۱۹/۷/۸۷ نامه‌ای سرگشاده خطاب به سازمانهای سیاسی و انجمنهای دموکراتیک پناهندگان ایرانی از سوی پناهندگان ایرانی، عراقی و افغانی در لاگروهای (۱) "کوبورگ" "شافهوف"، "موگندورف" و "لاندوس هوس" دریافت گردید. این نامه با طرح مسائل زیست و معیشت پناهندگان در ایالت بایرن و بی توجهی مسئولین مربوطه به تقاضاهای و اعتراضات پناهندگان از کلیه سازمانهای سیاسی و انجمنهای دموکراتیک ایرانی و آلمانی تقاضای کندتسا از مبارزات آنها برای کسب حقوق خود حمایت فعال کنند. ما برای اطلاع عموم از خواستها و مشکلات پناهندگان بایرن قسمت‌هایی از این نامه را اینها در زیر درج می‌کنیم.

"با احترام و سلام بسیار به شما، همانطور که مطلعید ما پناهندگان ایرانی، عراقی و افغانی در لاگرو کوبورگ از روز ۱۷ می، لاگرو شافهوف نورنبرگ از روز ۴ یونی، لاگرو موگندورف از روز ۱ یونی و لاگرو لاندوس هوس از روز ۲۲ یونی بخاطر تحقق خواستههای مبرمان دست به باجکوت جبره تحمیلی غذای خود زدیم. در این مدت موفق شده ایم کارزار خود را در نقاط مختلف استان بایرن همان‌هنگ ساخته، در چهار رجبو امکانات معین و محدود خود با سازماندهی اراده واحد پناهندگان ساکن لاگروهای فوق الذکر مبارزه‌ای یکپارچه را پیش ببریم. تاکنون ضمن جلب حمایت بخشی از انجمنهای دموکراتیک و احزاب مترقی آلمانی در شهرهای محل سکونت خود موفق به سازماندهی بزرگترین راهپیمایی پناهندگان در چند سال اخیر در نورنبرگ، رگنزیبورگ و لاندوس هوس شده ایم.

اینک بخاطر بی‌گیری اهداف عادلانه‌مان مقابل کلیسای لورنس در شهر نورنبرگ، در کلیسای موریتس در کوبورگ، در میدان مرکزی فوشایم در موگندورف و نیز در رگنزیبورگ و لاندوس هوس دست به تحصن زدیم.

در قسمت دیگری از نامه، ضمن برشمردن شرایط بسیار ناگوار زندگی در لاگروها و ضرورت ادامه اعتراض برای استیفای حقوق خود، مصرانه از همه نیروهای دموکرات تقاضای می‌کنیم به هر شکل که می‌توانند اهم از: "راهپیمایی، تشکیل میتینگ افشاگرانه، تحصن، ارسال نامه سرگشاده، پست تلگرام به مقامات مسئول آلمانی و نهادهای جهانی چون: صلیب سرخ، عفو بین‌الملل و همچنین کمک مالی به حمایت از آنها برخیزند.

نامه در پایان اضافه می‌کند: "همچنین بطور مشخص پیشنهاد می‌کنیم در سراسر آلمان روز ۲۵ یولی را روز همبستگی با حرکت اعتراضی پناهندگان بایرن اعلام کرده و در تمامی شهرهای بزرگ آلمان که تشکلهای دموکراتیک مدافع حقوق پناهندگان و سازمانهای سیاسی مترقی ایرانی در آن حضور دارند راهپیمایی اعتراضی کنیم.

یادآوری می‌کنیم که اعتراضات اخیر حول سه خواست: ۱- پرداخت پول به جای جیره غذایی ۲- دادن منزل مسکونی مستقل به جای لاگروهای کثیف و غیرقابل زندگی ۳- پایان دادن به سیاست طولانی کردن مدت رسیدگی به تقاضای پناهندگی صورت می‌گیرد.

(۱) لاگرو محل اسکان جمعی پناهندگان در آلمان است.

### تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق و برای دفاع از زندانیان سیاسی

گوتنبرگ - سوئد: هواداران سازمان وحدت کمونیستی، حزب کمونیست ایران (کومه‌له)، اتحادیه کمونیستها، سچفا، دکتورشیرعتی و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) روزشنبه سیزدهم ژوئن با تشکیل کمیته‌ای متحد تظاهراتی را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران در شهر گوتنبرگ - سوئد برگزار کردند. تظاهرات با شرکت حدود ۱۵۰ نفر از ایرانیان مبارز و تعدادی غیر ایرانی منجمله چندین عراقی، با شعارهایی مبنی بر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، قطع فروش سلاح سوئدی به طرفین درگیر جنگ، محکومیت جنگ ارتجاعی و در حمایت از زندانیان سیاسی ایران، ازبکی از میدانهای اصلی شهر بد راه افتاد و وطنی مسیر خنوبی از خیابانهای مرکزی گذشت. شرکت کنندگان در تظاهرات با اعلام شعارها به صدای بلند، توجه مردم سوئد را به اهداف حرکت خود جلب نموده و رژیم چنایتکار جمهوری اسلامی را افشا کردند. کمیته مشترک برگزارکننده تظاهرات بعد از قرائت قطعنامه زیر با موفقیت راهپیمایی را به پایان رساند:

- ۱- قرارداد های صد و اسلحه از طرف صنایع نظامی سوئد راجه و دولت در حال جنگ ایران و عراق متوقف ساخته و فاش نماید!
  - ۲- رژیم جمهوری اسلامی ایران را تحریم کامل اقتصادی نماید!
  - ۳- برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران تلاش ورزد!
- قطعنامه تظاهرات برای دولت ونخست وزیر سوئد ارسال گردید.



### تظاهرات علیه حزب الله

(استکهلم - سوئد): در ۱۷ مه ۸۷ حزب - الهی ها و مزدوران رژیم - از جمله عربها و کردهای وابسته - به مناسبت روز قدس تظاهراتی برپا کردند. تعداد آنها به ۱۵۰ نفر می‌رسید. به همین منظور کمیته‌ای از سازمانها و گروههای سیاسی مترقی ایرانی برای برگزاری تظاهراتی همزمان و افشاگرانه تشکیل شد و تظاهرات موفقیت آمیزی را با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر سازمان داد.

تظاهرات کنندگان با شعارهای "خمینی فاشیست قاتل مرگ بر رژیم تروریستی ایران"، "مرگ بر خمینی"، "سرنگون باد جمهوری اسلامی" و ... اعتراض و انزجار خود را نسبت به تظاهرات مزدوران رژیم ابراز نمودند. این تظاهرات، برخلاف سال گذشته، به درگیری نیانجامید و در رسانه‌های گروهی و مطبوعات سوئد منعکس شد. از جمله روزنامه "د آگنزی هیتز" Dagens Nyheter روزنامه یوتیراز صبح سوئد - با چاپ عکسی از تظاهرات ضد خمینی در صفحه اول نوشت: "همزمان با تظاهرات طرفداران خمینی مناسبت روز قدس پناهندگان و مهاجرین ایرانی تظاهراتی برپا داشته و علیه خمینی و رژیم ایران شعار دادند ..."

### اکسیون مشترک پناهندگان در هایدلبرگ

روز ۱۱/۷/۸۷ حدود ۱۵۰ نفر از پناهندگان ایرانی و ریتزهای به منظور اعتراض به شرایط زندگی پناهندگان و فشارهای اخیر اداری فد رال پناهندگی در آلمان نسبت به پذیرش حق پناهندگی، در مرکز شهر هایدلبرگ دست به تظاهرات زدند. در این حرکت که جمعی از پناهندگان ایرانی مقیم هایدلبرگ در آن فعال بودند، اعلامیه‌هایی بزبان فارسی و آلمانی درباره موضوع اعتراض از جانب آنان پخش گردید.

خود کانون جشنی بمنظور گرد هم آئی پناهندگان و معرفی کمیته برگزار گردید. این جشن که حدود ۲۰ نفر از ایرانیان در آن شرکت کردند، شامل برتانه‌های زیر بود: نمایش نور و صدا و شعر - خوانی، نمایش اسلاید، گزارش یک پناهنده از وضعیت پناهندگان ایرانی در پاکستان، تأثیر، خاطرات یک پناهنده از چگونگی خروجش از ایران و اجرای ترانه‌های ایرانی.

ادامه از صفحه ۱

### تظاهرات بزرگ ...

راههای شهرهای اطراف تقسیم نمایند. مقاومت محکم پناهندگان و حمایت نیروهای مترقی آلمانی، که در وهله‌ای زنجیر بسته بودند، پلیس و مقامات ایالتی را وادار به عقب نشینی نمود. علی-رغم اعتصاب بلند مدت و تظاهرات بزرگ پناهندگان، دولت راست ترین جناح بورژوازی آلمان در ایالت بایرن کوچکترین توجهی به خواسته‌های به حق پناهندگان نکرد و بر فشارهای خود افزود. است تا به پیروی از سیاست همی در دولت مرکزی آلمان و سایر امپریالیستها زمینه‌های مناسب قرار داد های چندین دهه ملیار دی را با رژیم چنایتکار اسلامی فراهم نماید.

در این رابطه رفقای ما در فرانکفورت با انتشار اعلامیه‌ای از هموطنان آگاه و مبارز، کانونهای دموکراتیک پناهندگان و نیروهای سیاسی مترقی و بشردوست خواستند که متحدان تشکیلی صند و قهای کمک مالی و بسیج نیروهای مترقی آلمانی و با تجمع و برگزاری اکسیونهای اعتراضی از پناهندگان اعتصابی استان بایرن حمایت کنند.

### هفته انترناسیونالیسم پروتزی

برلین غربی - بدلیل سفر رونالد ریگان رئیس‌جمهوری آمریکا به برلین و نشستهای رهبران کشورهای امپریالیستی، جنبه خلق (Volk's Front) در برلین غربی گروهها و سازمانهای مترقی آلمانی و خارجی را برای برگزاری هفته انترناسیونالیسم پروتزی دعوت کرد. این جلسات با شرکت گروهها و سازمانهای مترقی کرد، ترک، ایرانی، تامیلی و آلمانی از محفل تا هفتاد هفتاد و شش برگزار گردید. طی این روزها نشستهای متنوعی حول مسائل ترکیه و کردستان، زندانیان سیاسی در آلمان (برلین غربی)، آفریقای جنوبی، سریلانکا برگزار گردید و در رابطه با هر یک از موضوعات فوق، بحث و سخنرانی بعمل آمد.

روز ۱ ژوئن که اختصاص به ایران داشت، نمایندگان سازمانها و گروههای ایرانی (بیکارگر، گرایش انقلاب سوسیالیستی، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین غربی، هواداران سچفخا - برلین غربی و هواداران سازمان مادر برلین) در مورد تشکلهای سازمانهای خود صحبت کردند. رفقای مانیزگار و رش کوتاهی از تاربخچه تأسیس سازمان داده و قسمتهایی از طرح برنامه سازمان را که به زبان آلمانی ترجمه شده بود قرائت کردند.

در روزیانی هفته انترناسیونالیسم پروتزی، شرکت کنندگان ضمن بررسی نکات ضعف و قوت این گرد همائی، بر ضرورت اینگونه تجمعات تأکید کردند.

### تظاهرات علیه سفر ریگان به برلین غربی

بود. هواداران راه کارگر - برلین غربی طی اطلاعیه‌ای دعوت به شرکت در این تظاهرات نموده و پرچم بزرگی با شعار "هرگز برای امپریالیزم آمریکا را با خود حمل می‌کردند. سرانجام در میدان "ویتن برگ" (Witenberg Pl.) محل پایانی تظاهرات، درگیری با پلیس بوجود آمد و تظاهرکنندگان از هوسویه پلیس سنگ پرتاب می‌کردند. شیشه‌های تعدادی از بناکها و مغنازها شکسته شد و مرکز شهر بصورت یک منطقه جنگی درآمد. پلیس با گاز اشک‌آور به مقابله برخاست و زد و خورد به منطقه کرویتسبرگ کشیده شد و تا صبح ادامه یافت. به گفته مقامات رسمی در ایمن در رگیربها، ۵ نفر دستگیر شدند. روز بعد با وجود اینکه پلیس هرگونه تظاهرات را ممنوع اعلام کرده بود جمعیتی در حدود ۲ تا ۳ هزار نفر در مرکز شهر که کاملاً را شغال پلیس قرار داشت گرد آمدند و علیه امپریالیسم آمریکاشعار دادند.

تظاهرات ۷ هزار نفره در برلین، به ناسبت ورود ریگان و شرکت او در جشنهای ۲۵ ساله این شهر، اوج حرکت اعتراضی نیروهای پیشرو برضد سیاستهای بغایت راست امپریالیسم آمریکا بشمار می‌آید. این تظاهرات که رسماً با شرکت ۲۸ حزب، سازمان و انجمن‌های مترقی و بطور غیررسمی با حضور تقریباً ۲۰ گروه و سازمان برپا شد، تاکنون سابقه نداشته است. از سوی دیگر، پلیس نیز به گونه بی‌سابقه‌ای بسیج شده تظاهرات را زیر کنترل داشت. هزاران پلیس از شهرهای آلمان غربی به اینجا گسیل شده بودند. روزنامه‌ها تعداد آنها را ۱ هزار نفر برآورد کردند. در طول راهپیمائی حتی قبل از آغاز آن اعلامیه‌های پلیس مبنی بر حمایت از تظاهرات و دعوت به عدم درگیری در میان تظاهرکنندگان پخش گردید. شعارهای "هرگز برای امپریالیزم آمریکا"، "آمریکا مرکز جنایات جهان" و شعارهایی در حمایت از خلقهای نیکاراکو، ایران، ترکیه و سریلانکا، کاملاً برجسته

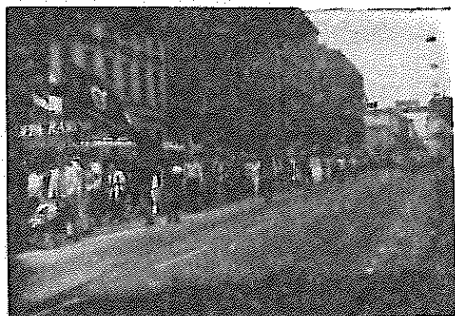


استکهلم - سوئد: تظاهرات علیه سیاستهای آمریکا در آفریقای جنوبی و امریکای لاتین

### ترقیبخواهان علیه تواد پرستی

استکهلم - سوئد

راسیست‌ها هر هفته روزهای شنبه در میدان مرکزی استکهلم گرد می‌آیند و شعارهایی علیه مهاجرین و پناهندگان می‌دهند. در روز شنبه ۱۶ مه ۸۷، انجمن ضد راسیست "دعوت به میتینگ برضد راسیسم کرد که حدود ۵۰۰ نفر از سوئدی‌ها و خارجی‌ها در آن شرکت کردند. "سند یکای کارگران مترو و اتوبوسرانی - ST" ، اطلس کوپکو و... با شعار "کارگران علیه راسیسم" از این حرکت حمایت کردند. از سوی گروهی از ایرانیان مترقی در حمایت از این حرکت پیامی داده شده که در میتینگ خوانده شد. با متفرق شدن راسیستها، تظاهرات ضد راسیسم نیز پایان یافت.



شد که به زخمی شدن عدده زیادی از تظاهرکنندگان و دستگیری بیش از ۹ نفر انجامید. از جمله مجروحین خانم BERIT BENZLER ، در بمراسمان جوانان حزب کمونیست چپ سوئد (V P K) بود. این تظاهرات در شب بعد در برابر سالن کنسرت استکهلم نیز انجام گرفت و با آتش زدن پرچم آمریکا، پلیس به تظاهرکنندگان یورش برد و تعدادی را بازداشت کرد. نانسوی ریگان در مصاحبه با مطبوعات سوئد از این تظاهرات خشونت‌آمیز اظهار تعجب و تأسف کرد!

همزمان با برگزاری اجلاس سران کشورهای صنعتی غرب در رونیز ایتالیا، نانسوی ریگان همسر رئیس‌جمهور آمریکا - برای یک دیدار سه روزه با زید و مطالعه سیستم د رمانی معتاد بن مواد مخدر رد رسوید، همراه با ۳ پلیس محافظ خود، وارد این کشور شد.

در زهمان روز، تظاهرات متعدد دی در مخالفت با سیاستهای آمریکا در آفریقای جنوبی و امریکای لاتین و در راسته استکهلم برپا گردید. همچنین شب دوشنبه ۱۸ ژوئن تظاهرات خشونت‌آمیزی در برابر هتل Grand - محل اقامت نانسوی - برگزار

## در حاشیه جنگ تجاری اخیر آمریکا و ژاپن

آمریکا" و... اشاره می کنند. یکی از نویسندگان ژاپنی حتی وارد منطقه ممنوعه شده و مشقلا می نویسد: "چهل سال پس از جنگ دوم جهانی، ما هنوز قادر به خلاص کردن خود از قیومیت آمریکا نیستیم. ... اما آمریکا توانایی قضاوت را از دست داده و تقاضاهای بیپایه می کند. شاید تقریباً زمان آن رسیده باشد که ما گفتن سهم هر کس چقدر است را شروع کنیم." شاید تا زمانی که بورژوازی ژاپن روند این گفتن را شتاب دهد هنوز فاصله داشته باشیم، اما روند پس راندن آمریکا محصولات و شیوه زندگی آمریکایی مدتی است که شروع شده است، رستورانهای منحصربه فزاینده، هاید پداز شده اند، و رغبت به محصولات آمریکایی کمتر میشود و بورژوازی ژاپن به قول سرد بیرنشریسه وال استریت آسیا - چاپ هنگ کنگ، "اروپا را به شبه بوتیک، آمریکا را به شبه مزرعه و همه را در خدمت ژاپن که تنها جامعه تکنولوژیک پویا می باشد"، می بینند.

هنوز قضاوت در مورد این روند و نتایج آن زود است. آیا ژاپن به لحاظ سیاسی، خود را از "قیومیت" آمریکاها خواهد کرد و یا این دوره، خطرناک تر و گول زننده تر از آن است که پرفسور تاریخ ژاپن، پیش بینی می کند؟ آینده جنگ سرکردگی هر چه باشد، متفکرین در طرف علاوه بر آمارهای اقتصادی مجبور خواهند شد، قدرت روزافزون کشورهای سوسیالیستی، تأثیر و را خیر بحران عمومی سرمایه داری در آگاهی و بیداری کارگران کشورهای متروپل و توفان انقلاب در کشورهای "جهان سوم" را نیز در پیش بینی های خود منظور کنند.

تذکر: منبع اطلاعاتی این نوشته، مقاله مند رچ در مجله عصر جدید بتاريخ ۱۷ مه ۸۷ می باشد.

راستی محترم، فضایی وابسته به حزب لیبرال - دمکرات، مؤسسات تحقیقات تاریخی و اجتماعی ژاپن و بالاخره نشریات ژاپنی به مرور از واقعیت "اجتناب ناپذیری" سقوط امپراطوری آمریکا که شباهت به سقوط امپراطوری روم خواهد داشت، سخن می گویند. یک پروفیسور تاریخ اظهار می دارد که "در مورد آینده آمریکا تردیدی نیست، این آینده در ویست سال قبل توسط ادوارد گیبسون در کتاب "تاریخ نزول و سقوط امپراطوری روم شرح داده شده است. مانه فقط متوجه این واقعیت شده ایم، بلکه خود را برای دوره خطرناک و گمراه کننده سقوط امپراطوری آمریکا... آماده می کنیم."

آمارهای اقتصادی سالهای اخیر، به اقتصاد دانان ژاپنی فرصت بررسی علمی جزئیات پروسه انحطاط آمریکا و فروپاشی اقتصادی آن را داده و به آنها دل و جرات میدهد که تبدیل ژاپن به بزرگترین قدرت اقتصادی جهان - سرمایه داری را طی ۲۰-۱۰ سال آینده پیش بینی کنند. آنها در عقب ماندن آمریکا به لحاظ تکنولوژی (به جز تکنولوژی نظامی و فضایی - هوایی) گریز، برگشت ناپذیری را می بینند که در پایان به سرکردگی تکنولوژیک ژاپن منجر شود و به همین دلیل توجه بورژوازی ژاپن را به نقطه "تحسین" از سوی رقبا، بلکه هم چنین "تسرس" و "طغیان خشم" آنها جلب کرده و به نمونه های اخیر اقدامات ضد ژاپنی در آمریکا (بد رفتاری بسا ژاپنی ها در آمریکا، و رومدن ادبیات ضد ژاپنی با مضمون هشدارنده و باره "توطئه ژاپن بر علیه

جنگ تجاری آمریکا و ژاپن که مضمون آن مبارزه برای سرکردگی درآوردی امپریالیسم است، اخیراً با تصمیم دولت ریگان که ورود بسیاری از کالا های ژاپنی را به آمریکا با اتخاذ سیاست تعرفه گمرکی بالا عملاً غیرممکن کرده وارد مرحله حادتری گردیده است. توجه به این مسأله از اهمیت بسییاری برخوردار است. در مقاله حاضر هر چند به اختصار به این مطلب می پردازیم.

تا همین چند سال پیش، تقلید از "شیوه زندگی آمریکایی" حتی در جزئیات آن نزد بسیاری از ژاپنی های ویژه مدبران عالیرتبه، مهندسان و تکنوکراتها، امری رایج بود. این تقلید در کنار اخذ تکنولوژی آمریکا و یادگیری شیوه های مدیریت آمریکایی و پیوند فشرده اقتصاد و کشور، پایه های وابستگی سیاسی و اقتصادی ژاپن به آمریکا را که پس از شکست در جنگ جهانی دوم بوجود آمده بود، محکم تر می نمود. اما پس از آنکه بورژوازی ژاپن و به ویژه متفکرین آن مژه اولین پیروزیهای اقتصادی را چشیدند و پس از آنکه کالا های ژاپنی به مرور، به مثابه سمبل "کیفیت مغرب" شناخته شده و با زوایای سنتی سایر دول معظم سرمایه داری یکی پس از دیگری به روی محصولات ساخت ژاپن گشوده شد، تردیدها و تفکرات جدیدی به مرور شکل گرفتند. زمینه های تاریخی این تأملات به میلیتاریسم نژاد پرستانه ژاپنی که گذشته سیاه و جنایتکارانه اش، برای تمام خلقهای سرزمینهای همسایه ژاپن خاطره مرگ و نکبت راننده نگه داشته است، بر میگردد.

متفکرین بورژوازی ژاپن، پروفیسورهای دست

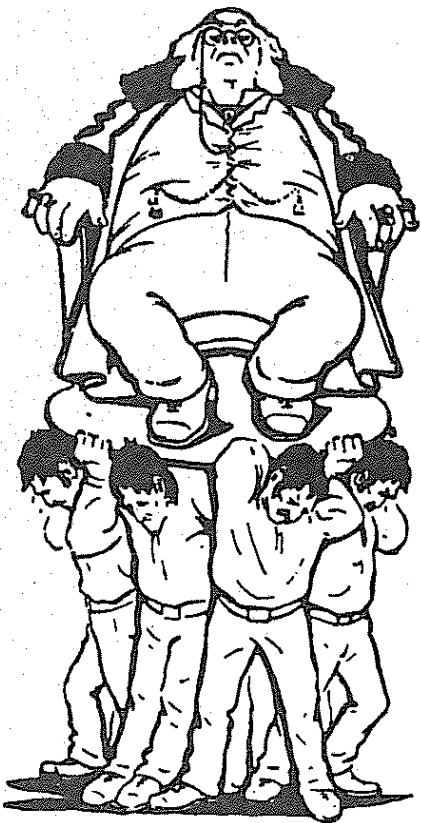
## برزیل - کامپیوتر و بحران تجاری

برزیل نمونه وسرآمد مدلتوسعه سرمایه داری در کشورهای جهان سوم است. کشمکش و بحرانهای این کشور پوسرید هی ها، بازرگانی و سیاست خارجی، در سالهای اخیر بسییاری از وجوه برنامه های امپریالیستی برای توسعه رابطه نمایش می گذارد.

اخیراً برسر "قانون انفورماتیک" یکی از مهم ترین مشاجرات بین این کشور و آمریکا در حوزه بازرگانی در گرفته است. این قانون که در سال ۱۹۸۴ توسط کنگره برزیل برای حمایت از صنایع کامپیوتر کشور به تصویب رسید، وارد کردن کامپیوترهای کوچک را ممنوع می کند و جلوسرما به گذاری خارجی در این رشته را می گیرد. این اقدام نفوذ و گسترش شرکت های رقیب و چند ملیتی را محدود می کند و از آنجاکه برزیل ششمین کشور بزرگ دنیا و یکی از بهترین بازارها برای این صنایع است، ضرورتی از به انحصارات کامپیوتری می زند. آمریکا برای مقابله با این اقدام دولت برزیل به طرق گوناگون و

از جمله از طریق مجازاتهای بازرگانی به این کشور فشار می آورد. سال گذشته صادرات برزیل به آمریکا بیش از ۱٪ افت کرد و طبق تصمیمات جدید دولت آمریکا، ۲۸ قلم از صادرات برزیل به آمریکا از لیست اقلام صادراتی بدون گمرک حذف شده که در سال در حدود ۴۰۰ میلیون

دلار به ضرر برزیل خواهد بود. این کشمکش بیانگر آنست که مدلهای توسعه امپریالیستی تنها با این هدف اجرا می شود که در خدمت استثمار و غارت کشورهای وابسته قرار گیرد. این نوع توسعه که به قیمت فقر، بیکاری، بیسوادگی و محرومیت توده های عظیم میلیونر، به قیمت بدهی های کمر شکن پیاده می شود، جز آنکه بر تناقضات و بحران های جوامع عقب مانده دامن زند کاری نمی کند. بعلاوه این بحران شکل تکامل یافته تضاد های مدل وابستگی نواستعماری و تقسیم کار جدید میان متروپل و کشورهای پیرامونی را نیز نشان میدهد.



## منتظری در پیس پرده تزویر

این روزها بار دیگر منتظری وارد صحنه سیاست شده و راد یوتلویزیون کشور با آب و تساب از دیدارها و ملاقاتهای ایشان با هیئت های مختلف خبری دهند و اطلاعاتها و بیانیتهای ایشان را با تیتروهای درشت در صفحه اول روزنامهها چاپ میکند و چپ و راست لقب قائم مقام رهبری را به ایشان می بندد تا اگر احیاناً در این باره شک و شبهه ای در ذهن کسی ایجاد شده به طرف شود. این شبهه البته یک چیز واقعی است و ترس رژیم ارتد او می افتد آن قابل فهم، تعیین قائم مقام رهبری که خود به شیوه ای کود تائی در دو سال گذشته انجام گرفت با این هدف بود که اولاً مواضع جناح مسلط را در دوران پس از مرگ خمینی تعیین کند، ثانیاً در دل طرفداران رژیم روح اطمینان بد مد و از ترس آنها در برابر جنبش توده های بکاهد، کاهش نقش سیاسی منتظری در رهبران دوره کوتاه بر حصدت ترلزات کل رژیم افزود. علاوه بر این شددت نارضایتی توده های به چهره های مزور و "مستضعف پناه" نیاز دارد. به این جهت است که بار دیگر "امید است و امام" پروبال گرفته است. با اینحال هم شدت تضاد های درون رژیم و هم بی اعتمادی توده های نسبت به کلیت رژیم چند ان نقشی برای این تزویرها و متعادل کردن هانمی گذارد بلکه به

عکس حتی برای جناحهای رژیم پناهگاههایی ایجاد می کند که به حدت درگیرشان با هم بیافزایند. برای مثال، در بحثهای فقهی که اخیراً در زمینه مالکیت زمین میان جناحهای حکومتی درگیر شده بود، آقای حجت الاسلام عبائی سرپرست دفتر تبلیغات قم در کنفرانس اسلام و مستضعفین با استناد به "فقیهعالیقدر" اظهار داشت: "فقیه عالیقدر عقیده دارند که در باره مالکیت زمین اصلاً نی بایست بحث شود. ایشان تردید دارند که زمین بتواند ملوک باشد و کسی آن را مالک شود و می فرماید زمین هم مثل آب متعلق به همه مردم است." کیهان ۱۱/۲۴/۶۶. امام در برابر این اظهارات که علیه شورای نگهبان ایراد شده است اما می کاشانی سخنگوی شورای نگهبان برای دفاع از موقعیت این شورا و ناخواسته به افشای چهره منتظری می پردازد و متن نامه ایشان را به رفسنجانی که علیه لایحه زمین شهری است در تلویزیون به نمایش می گذارد. در این نامه که بتاریخ ۱۱/۱/۶۶ است منتظری صریحاً اعلام می کند: "بنظر اینجانب که محصول مشاهدهات دوره اول این قانون است این قانون موفق نبوده است و در اغلب شهرها درگیری و نا اراحتی در دست کرده است و روی هم

ضررش بیش از نفعش بوده است، و اگر فرضاً در جاهای ضرورت هائی هم احساس می شد، به این قانون ضرورتاً مرتفع نشده است" کیهان ۱۹/۳/۶۶. بدین ترتیب شورای نگهبان به مدعیان مستضعفین حالی می کند که بیخود پای فقیه عالیقدر را وسط نکشید، ایشان خود از همان اصول اسلامی دفاع می کنند که شورای نگهبان، این نقل قول البته با روح و اصول فقهی اسلام در زمینه مالکیت مطابقت دارد و اتحاد نظر "فقیهعالیقدر" و فقهای شورای نگهبان بر نکات مورد اختلاف آنها می چربد. این نزدیکی عقیدتی میان "فقیه عالیقدر" و شورای نگهبان در وارد و کشی اخیر مجلس و شورای نگهبان علیه یکدیگر و شکایتی که شورای نگهبان علیه مجلس به نزد منتظری برد به خوبی نمایان شد. در این دیدار، منتظری ضمن حمایت از شورای نگهبان و تأکید صلاحیت اسلامی آنها ضرورت حفظ احترام به علمای طراز اول اسلامی را خاطر نشان ساخت و به آقایان شورای نگهبان توصیه کرد، رد یا تأکید هر قانون را با شخصیت های علمی و حقوقی در میان بگذارند تا شبهه ای در میان مسلمانان ایجاد نشود. به هر حال روند حوادث و دسیسه ها، پاد ر میانی بزرگان رژیم برای متعادل کردن امور رانه فقط بی اثر می سازد بلکه آنها را هم به بهره این با آن جناح مبدل می سازد و بدین ترتیب بحران را به رأس قدرت می کشاند.

## تداوم وابستگی به شیر نفت و سوپر تانکرها

زمانه دوران جنایتکار رژیم که در عرصه اقتصادی شدیدترین فشارها را بر توده کارگران و زحمتکشان اعمال می کنند، در چند سال گذشته همواره این ریاضت شدید اقتصادی و این فقر و فلاکت بی پایان را علاوه بر جنگد رپوشش رفع وابستگی، شکوفائی اقتصاد ملی و خود کفائی توجیه کرده اند.

ارتباطستان ۵۰ که بحران ناشی از تنزل فاحش قیمت نفت و فشار حملات هوائی عراق به ترینال های نفتی و نفتکش ها از روی ریافتی را به یک چهار چوب تقلیل داد بحران سخت و همه جانبه اقتصاد در هم شکسته رژیم راد بر گرفت. با این حال سران حکومت هر کدام به نوبه خود این بحران را به فال نیک گرفته و اعلام داشتند: این بهترین موقعیتی است که نصیب جمهوری اسلامی شده تا خود را اوقید صادرات نفت و تکیه بر آن بر هاند و صادرات غیر نفتی را جایگزین آن کند.

یکی از چهره هائی که در اتخاذ برنامها و خط مشی اقتصادی رژیم نقش مؤثر داشته و بعنوان یکی از "گولز" های آن عمل می کند بهزاد نبوی است. او که همواره در مصاحبه ها و سخنرانیهایش ارائه ارقام نجومی و آمارهای گزاف را جاشنی تبلیغات میان تهری می یافت و از انعقاد قراردادها و پروتکلها در زمینه صادرات کالا های صنعتی غیر نفتی خبری داد، این روزها بدلیل اوضاع بسیار آشفته اقتصادی شرمگینانه به شکست فاحش و ناگامی بزرگد در عرصه اقتصادی و بخصوص صادرات غیر نفتی اعتراف می کند.

در مصاحبه ای که پس از سفر اخیر به ترکیه و چند کشور اروپائی ترتیب یافت، اعتراف کرد که همه

گفته های قبلی وی و دیگر مسئولان رژیم جزوا مغریبی و "درفهای شاخدار"، چیز دیگری نبوده! مثلاً پروتکل سه میلیارد دلاری امضا شده با ترکیه برای صد و بیست و نهم میلیون دلار کالا به پانصد میلیون دلار کاهش یافته و از پروتکل امضا شده برای صد و پانصد میلیون دلار کالا های غیر نفتی به ترکیه در طی یکدوره یکساله تنها چهار میلیون دلار آن تحقق یافته است! اصل مطلب از زبان خود نبوی گویا تر است: "در زمینه کالا های غیر نفتی متأسفانه باید بگویم که در طول سال ۶۶ تنها شاید ۴ میلیون دلار از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را انجام دادیم" (کیهان ۲۱/۳/۶۶)

"... در هر حال به این شکل روی پروتکل سه میلیارد دلاری تجدید نظر شد. اما همین پروتکل تجدید نظر شده هم مورد عمل قرار نگرفت. بدلیل مختلفی که بیان می کنم" (همانجا)

"بنده خودم برای یک قلم صادرات یکی از واحد های تحت پوشش صنایع سنگین که فروش ۴۰۰ دستگاه کامیون به ترکیه و تنها به ارزش ۱۶ میلیون دلار راست و تنها یک میلیون دلار برای ما ارزش افزوده آوری دارد و شاید تا حالا چندین نامسه و چندین ملاقات با مقامات و وزرای ترک در اشتیم تا این مشکل حل شود و هنوز هم که هنوز است موفق نشده ایم" (همانجا)

پانزده میلیون دلار برای قطعات موتور و چند میلیون دلار هزینه آمد و رفت و هزاران ساعت استثمار کارگران، و چند میلیون دلار استهلاک ماشین آلات برای یک میلیون دلار ارزش ما زاد آوری!

"... صادرات غیر نفتی مانند صادرات نفتی نیست که شیر لوله را بگذاریم داخل سوپر تانکرو دگه و فشار بدیم و یکروزه لبریز شود و مثلاً بشود یکصد میلیون دلار.

واقعیتش این است که چون ماعدات کردیم به اینکه پسر حاجی باشیم و شیلنگ را بگذاریم توی کشتی و فقط نفت را البته آنها هم خودشان بیایند سر شیلنگ را بگیرند... این کار خیلی راحت است و همه می آیند خارک می برند، اما وقتی بخوایم برویم در خط صادرات غیر نفتی، کار خیلی مشکل است." (همانجا)

در این مصاحبه که مختصری از آن را نقل کردیم نبوی اعتراف میکند خیر امضا پروتکلها با ترکیه و دیگر کشورهای در زمینه صادرات غیر نفتی پاد رهوا بوده و هیچگاه زمینه عینی و اجرایی نداشت است. نه فقط در رابطه با ترکیه بلکه در ارتباط با کشورهای نظیر سوئد، لیبی و الجزایر هم رژیم نتوانسته صادرات غیر نفتی داشته باشد و نهایتاً صادرات غیر نفتی هم محدود مانده به بازارهای

امپریالیستی و فرش قاچاق؟! و مقداری میوه که آنها هم اغلب پیش از عرضه به بازار فاسد شده است. و بدین ترتیب علیرغم تمام هیاهوی بلند گوهای رژیم درجه وابستگی به کشورهای امپریالیستی با زهم در حال افزایش است و بر میزان وابستگی به ارزش حاصل از نفت با زهم افزود می شود: کماکان جمهوری اسلامی است و شیلنگ نفت و سوپر تانکهای امپریالیستی!

# آب را گل نکنید!

سازمان از شیوه منزوی کردن به ما میدهد و تئوری - ای که آقای مهتدی برای منزوی کردن راه کارگرچاشنی آن کرد هاست می توانیم نتیجه بگیریم که تئوری زور البته به نحو شرمگینانه ای علیه سازمان ماکاربرد پیدا می کند . منطق این سازمان د و منزوی کسردن راه کارگر عینا همان منطق چماقداری جریان توکل است که میگفت : چون راه کارگر بر باد رگیری فیهنکیسی مخالف است پس مدافع حزب توده هاست و بنا بر این او هم باید با چماق طرد شود . آقای مهتدی هم می گوید چون راه کارگر سازمان فدائیان خلق را بایکوت نمی کند ، خود باید بایکوت شود .

البته نمی توان انتظار داشت منطق آنها از این فراتر رود . یکی دیگر از مضمونهای کتب دلائل این جریانات ضد ارد و گاهی برای اثبات یکی بودن راه کارگر با حزب توده این است که راه کارگر هم طرفدار شوروی است . در اعلامیه دیگری با امضا «ستولان» سازمان ایرانیان د مکراد در رابطه با استدلال ذکر شده آمده است که : میان نظرات و مواضع اساسی راه کارگر و راه کارگرها ، توده ایها ، و اکثریتی ها ، د برزمانی است که تفاهتی وجود ندارد . علیرغم این واقعیت ، راه کارگری ها تنها به این دلیل که همچون هگنانشان ، دست هایشان به خون مبارزان آغشته نبود ، توانسته بود ند برای مدت زمانی خود را د صفوف مخالفان واقعی جمهوری اسلامی طرفداران ترقیبی ، استقلال و آزادی ایران جا بزنند . " ملاحظه کنید که چه واقع بینی و استدلال زرفی در گفته های ایشان دیده میشود . بر اساس اعتقاد اینها فرق راه کارگر با حزب توده فقط در این است که دست راه کارگری ها به خون مبارزان آغشته نشده است . آید این نظریه آب نکشیده د ذره ای منطق میتوان یافت ؟ در واقع از نقطه نظر این آقایان " مطالعه " مسائلی چون تحلیل طبقاتی ، محتوای انقلاب ، استراتژی انقلاب ، نظریه قدرت د ولتسی و دیکتاتوری پرولتاریا و دکانترانسپونالیسم پرولتری که همه جز " مهمترین اصول مورد اختلاف راه کارگر و اپورتونیسم توده ای است بی اهمیت است . همین قدر کافی است راه کارگر شوروی را یک د ولت و کشور سرسیالیستی بداند تا فاصله های با حزب توده از میان برود و فقط این برای راه کارگر بماند که دستش به خون مبارزان آغشته نشد ه باشد . منطق و استدلال این گروهها نیز د قیقا همان استدلال و منطق حزب توده هاست . حزب توده نیز ماهیت احزاب ود ولتها را نه از سرنا ه و استراتژی آنها د رجهت رچوب کشور مفروض و مختصات مبارزه طبقه کارگر د یک مناسبات اقتصادی - اجتماعی شخص بلکه از روی موضع آنها نسبت به امپریالیسم آمریکا استنتاج میکند . برای یک طرف شوروی و برای طرف دیگر آمریکا تعیین کننده ه ماهیت د ولتها و احزاب است . به تبع همین منطق بود که هر دو این جریانات اپورتونیستی یکی د ر قالب اتحادیه کمونیستها ود دیگری د رهیت توده ای هاد برر خورد با سیاست نه شرقی ونه غربی حکومت اسلامی به مشی واحد رسید ند و هر دو از زید افعین رژیم شدند . نه فقط مسئله شوروی ، بلکه مفاهیم عام راه کارگر نمی توان جایگزین ارزشهایی مشخص وسست گیری روشن د مبارزه طبقاتی کرد . مبارزه طبقاتی همواره د ر بستری از وضعیت مشخص ود ر یک آرایش نیزه های طبقاتی معین میگردد و در صفحه ۱۵

بیرون کنید ولی خواست و مشی شما که د ر هر منافذ و رود رو از زبانان جاری میشود این است . در این میان باید به موضع حزب کمونیست کوهله اشاره کنیم که بیش از دیگران فرصت طلبی میکند و کتر از دیگران پایبند به اصول د مکرسی است . این سازمان با وجود روند قهرقراضی که به سوی سوسیال د مکرسی طی میکند ، حتی از منش یک سوسیال د مکراد در برخورد با مخالفین خود برخوردار نیست و بارها انداختن جنجال ها و پیش گرفتن سیاست تحریم و بایکوت راه کارگر قد مبه جای پای د و سال ونیم پیش " کمیته خارج جریان توکل " می گذارد . رهبری این حزب اکنون مدتی است د ر نشریات و نوشتارهای خود خط د رگیری و تشنج را تئوریزه میکند . مثل مقاله عبد الله مهتدی د ر نشریه کمونیست شماره ۳۱ ( که علیه موضعگیری مادر رابطه با شکستن بایکوت سازمان فدائیان خلق فتوای منزوی کردن ما را داده است ) پیش از این هم این نویسنده محترم به تئوریزه کردن خط د رگیری د ر کردستان تحت عنوان وظائف پرولتاریا کردستان مبادرت ورزید که نتایج تلخ آن هنوز از دامن جنبش پاک نشده هاست . کمیته خارج از کشور این حزب نیز د رد و اعلام میکند آگانه به تاریخ آوریل ۱۹۸۷ با عنوان طرفداران " حزب توده " سازمان فدائیان خلق ایران را از صفوف کارگران بیرون کنید " تاکتیک مشخص منزوی کردن " راهم طرح ریزی کرده و د ستور حمله را داده است . اما چرا کمیته خارج از کشور حالا به فکر بیرون کردن توده ایها از صفوف کارگران افتاده است ، این یک مانور شناخته شده هاست که اولین بار بدست اقلیت بمورد اجرا گذاشته شد . اقلیت هم برای پنهان کردن بحران داخلی خود و بخصوص برای پوشاندن مشی سکنا رستی خود از حمله به توده ایها آغاز کرد . شم برآگمانیستی به اینها چنین فهماند که گویا میتوانند زیر پوشش حمله به حزب توده که طبیعا مدافعی ند ارد خط انحرافی خودشان را جا بیند ازند . ولی ما علیرغم هراتهایی که بما وارد کنند با صراحت اعلام می کنیم این همان سیاست چماقداری است که اگر امروز د ر مقابل آن نایستیم فرداد این همه را خواهد گرفت . منظور از بیرون کردن طرفداران حزب توده و اکثریت از صفوف کارگران چیست ؟ کسی که از اقلیتای فعالیت کمونیستی و مبارزه با گرایشات غیر پرولتری د صفوف کارگران کمترین اطلاع را هم داشته باشد ، میداند که چنین فرامینی چقد غیر ممکن و ابلهانه است . یک چنین د ستور العمل هائی فقط میتواند از دهنیت عقب ماند های نازل بشود که گمان میکند اپورتونیسم یک مقوله نفوذی است و به سطح تکاملی جنبش کارگری و روند واقعی تکامل نظام سرمایه داری بستگی ند ارد . روش بیرون انداختن ، روش چماقداری است . روش کمونیست ها برای حفظ خلوص صف و مبارزه پرولتاریا افشا و منزوی کردن مشی اپورتونیستی است . بنا بر این با تعریفی که کمیته خارج از کشور این

حادثه ۲ ژوئن د انشگاه فرانکفورت که با پی - حرطی چند تن از هواداران حزب کمونیست کوهله و سازمان ایرانیان د مکراد به رفقای ما آقا زوسه به د رگیری میان د و تن از رفقای ما همین افراد کشیده شد فرصت مناسبی فراهم کرد تا آن گروهها و کسانی که از فضای آرام سیاسی و افشاگریها و مباحثات متذکرند و علاقمند ند فحش و ناسازار ارجای بحث روشننگرانه بنشانند به کارشان ابعاد جهانی بدهند و آن محیط متشنجی را که بیش از یکسال است علیه رفقای ما د انشگاه فرانکفورت ایجاد کرده اند سراسری کنند . یک نگاه به اعلامیه های این جریانات ( انجمن هواداران حزب کمونیست کوهله ، سازمان ایرانیان د مکراد ، اتحادیه هواداران مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک ، هواداران سابق بیکار ) برای هر خواننده بیطرف و بی غرضی بخوبی روشن میکند که در پس این هیاهو مدافع ضد سوسیالیستی نهفته است و برپیشانی این گروههای لیبرال و پوپولیست و بعضایی هویت ( هواداران سابق بیکار ، اتحادیه طرفداران مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک ) اید با خاطر پیشامد مذکور نیست . این اتفاق برای آنها فقط تا آن حد اهمیت دارد که به کمک آن بتوانند به مدتش کردن چپ و انقلابی سازمان ما ببرد ازند . باید به این گروهها خاطر نشان شویم که از زموده راه آزمو دن خطاست و از کسانی که بیکار را این روشها را امتحان کردند و امروز سرشکسته از کرد خود انتقاد می کنند د رس بگیرند . مگر فراموش کرده اید که جریاناتی که با چه شور و حرارتی کوشید به خلق الله بیاوراند که راه کارگر اپورتونیست و متحد حزب توده است ، مگر یادتان رفته چه طرح و نقشه ها و د روز و کلکها بکار برد تا شاید ما را با وصله توده ای جزوی کند اما نتیجه چه شد ؟ چه دستاوردی جز اشعاب ، برآگمانی و انزوا عایدش شد ؟ بدیهی است این وصله ها به ما نمی چسبند و تنها به شهادت مطبوعات سازمان ، حجم مبارزه اید فیلوژیک ما علیه اپورتونیسم طیف توده ای ده بار بیشتر از مجموع نوشته های تمام گروههای چپ د ر این زمینه است . از این مسئله می گذریم . در آن جریان چماقداری جریان توکل ، برای همگان بخوبی روشن شد که این تنها راه کارگر است که د ر برابر چماق داری ایستاده و از آزادی بی قید و شرط سیاسی جانسید اری میکند . ما تعرض فیزیکی به هر کس و میز کردیم و اعلام کردیم د د اینگونه اقدامات ضد د موکراتیک ( حتی اگر علیه حزب منور توده هم باشد ) به چشم کمونیستها خواهد رفت . برونده ما در این زمینه روشن است و با افتخار از آن یاد میکنیم . اما واقعیت شما اصلا قبل د فاع نیست نه براسکوت شماد ر برابر سیاستهای چماقداری کمیته خارج از کشور جریان توکل راهم بیاد دارند ، زنده هلی شما برای بیرون کردن راه کارگر از د انشگاه فرانکفورت و رفقای اتحادیه کمونیستی تان د رهاید پارک لندن د ر گوشمان است . البته شما قادی نیستید راه کارگر از د انشگاه



### بزرگداشت بیستمین سالگرد شهادت "بنواونده زرگی" در تظاهرات علیه سفر شاه

- ۱- فدوال و بزین غربی هواد ارسا زمان چریکهای فدائی خلق ایران
- ۲- جریان انقلاب سوسیالیستی - برلین غربی
- ۳- پیکارگر برلین غربی
- ۴- هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی
- ۵- انتشارات اتحاد مبارزه
- ۶- کمیته کردستان برلین غربی
- ۷- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - برلین غربی

\* در تظاهرات بزرگی که به ابتکار و رکنفد راسیونو در انشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور ترتیب داده شده بود .

(۱) Alternativ Liste

و سیاسی آلمان فدوال و د ولت وقت ایران رانیز بر ملا ساختند .  
بخش دیگر سخنرانیهابرجنبش اعتراضی در آلمان در رساله های ۸ و اشاره به نکات مثبت و منفی آن در ورمیزد . سخنرانان در ضمن به چگونگی وضعیت کنونی ایران پرداختند و جنایتها و تبهکاریهای حکومت اسلامی را محکوم و نیشز اشتباهاتی را که کم و بیش موجب قوام این رژیم شده است ، برشمردند . سخنرانان در ولت آلمان رانیزید لیل فشارهاییکه به پناهندگان وارد می کند ، محکوم کردند !  
به همین مناسبت " کمیته هماهنگی نیروهای متوقی ایرانی " متشکل از نیروهای سیاسی زیر صد ورا اطلاعیه حمایت خود را از این گرد هم آئسی اعلام کردند :  
۱- سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان

برلین غربی - روز سه شنبه ۲ / ۶ / ۸۷ - به دعوت AI ( ۱ ) به مناسبت بیستمین سالگرد مرگ دانشجوی آلمانی " بنواونده زرگی " ( Beno Ohnesorg ) یکگرد هم آئی با شرکت بیش از هزار نفر در مقابل ساختمان اپرای برلین غربی برگزار شد . " بنواونده زرگی " دانشجویی است که بیست سال قبل هنگام بازدید شاه از برلین غربی ( \* ) مورد اصابت گلوله پلیس مخفی آلمان قرار گرفت . در این گرد هم آئی پروفیسور Gollwitzer از شخصیت های مبارز ، بهمن نیرومند و نماینده ASTA ( اتحاد یه دانشجویان برلین غربی سخنرانی کردند .  
سخنرانها ضمن بر شماری نکاتی از چگونگی استقبال دولت و پلیس آلمان فدوال از شاه و توضیقاتی که پلیس برلین در حق دانشجویان مبارز ایرانی روا داشت ، چگونگی روابط اقتصادی

#### ادامه از صفحه ۳

#### وضعیت ناپسامان آوارگان ایرانی در ...

کرد ه بود از طرف مسئول مربوطه آقای " کوشه تل " چنین جواب داده می شود : " یک نظمی باید برود و در جنگ شرکت کند . " پس از این مصاحبه ، وی در تاریخ ۲۶ / ۲ / ۸۷ مجبوره با زنگشت به ایران می گرد و تا کنون از سر نوشتش خبری نیست . پرونده فرد مذکور نیز در سازمان UN مفقود گردیده است .

در پاکستان یکی دیگر از سرپل های عبوری نیز وضع بهترازین نیست . ارسال ۵۰۰ تن اسلحه متوسط ۱۰۰ نفر سالیان وارد پاکستان شده و در هر سال ۷۰٪ آنان موفق می شدند خود را به کشورهای اروپائی و آمریکا برسانند . طبیعی است که در حال حاضر این ارقام بیش از پیش افزایش یافته است . تعد ادی که بععل مختلف و بویژه مشکلات مالی قادر نیستند از پاکستان خارج گردند ، مدت یک تا دو سال در پاکستان ماندگار می شوند . با وجودی که روز بروز مهاجرت هموطنانمان تود های ترمی شود ولی با زهم جوانان بیشتری ن تعد اد مهاجرین را تشکیل می دهند که به علت مشکلات سیاسی و فرار از جبهه مجبوره ترک وطن می گردند . اغلب آنان مجرد و بدون شغل و از لایه های میانی جامعه اند . ولی در میان آنان افراد شاغل و متأهل بویژه از جوانان بلوچ که قبلا به کشاورزی و دامداری و یا آموزگاری اشتغال داشتند نیز دیده می شوند .

تنها مرجعی که پناهندگان ایرانی در پاکستان به آن مراجعه می کنند ، سازمان UN است که از سال ۱۹۸۱ در رابطه با مهاجرین ایرانی آغاز رسه کار نموده است . این هیئت طبق مفاد و قوانین سازمان ملل می باید امنیت ، حقوق ، مسکن ، بهد اشت و مهاجرت پناهندگان را جزو وظایف اصلی خود قرار دهد و در این رابطه کوتاهی و قصور نورد ؛ ولی سازمان UN اغلب وظایف خود را نیمه تمام انجام داده و در مواردی نیز کوچکترین گامی برنداشته است . UN تا کنون نتوانسته در برابر

حفظ امنیت پناهندگان سیاست قاطعی را در اعمال فشار به دولت پاکستان برای پذیرش رسمی و قانونی مهاجرین از سوی این دولت در پیش گیرد ، همچنین سازمان UN نتوانسته به اعمال فشار پلیس این کشور بر مهاجرین ( که دارد به یک سیاست خطرناک و عمومی بدل می گردد ) پایان دهد . در مورد مسئله مهاجرت به کشورهای دیگر ، که UN تاهمین او از طریق اعتراضات مکرر پناهندگان کوچکترین تلاشی از خود نشان نداده بود ، اکنون بطور غیرمنتظره بخشی از پناهندگان را که در ای سابقه اقامت در پاکستان می باشند و از دریافت برگه مصاحبه برای مهاجرت خود دری نمود ه اند ، تحت فشار قرار داده و طی نامه هایی به این دسته از پناهندگان - بخصوص آنهایی که بخاطر فعالیت سازمانی و سیاسی می خواهند در پاکستان بمانند - ارسال داشته و اعلام نموده که عدم تمایل این افراد برای مصاحبه ممکن است بخاطر این بود ه باشد که آنان می توانند در پاکستان خود را از لحاظ مالی تأمین نموده و لذت های مایلی به رفتن به کشورهای اروپائی نیستند و از آنجائی که خود UN نیز قادر به کمکهای دراز مدت به پناهندگان از نظر مالی نمی باشد ، مقرری ماهانه پناهندگان را در صورت امتناع آنان از مصاحبه قطع خواهد کرد .

قطع مقرری ماهانه برای پناهندگان بویژه مهاجرین بلوچ مشقت بسیار است . سازمان UN طی مصاحبه ای با نماینده پناهندگان اعلام نموده که اقدامات اخیر بر اساس دستورات ژنرل صورت گرفته و سازمان UN که نمی تواند هزینه تعد اد زیادی از پناهندگان را متحمل گردد ، مجبور است آنها را تحت حمایت دولت های جهان و بخصوص دولت اروپائی قرار دهد . سازمان UN در مقابل این سؤال که چرا پناهندگانی را که در اطلب مهاجرت به اروپا می باشند اعزام نمی کند ، پاسخ می دهد که : " مهاجرت بر طبق سابقه اقامت افراد برایمان اهمیت زیادی دارد ! " مقرری ماهیانه مهاجرین در نتیجه دو سه سال ۴۰۰ از ۸۰۰ ریبی پناهندگان در برابر UN از ۱۰۰۰ ریبی افزایش

یافت . این میزان مستمری در رابطه با وضعیت اقتصادی و مشکل مسکن بسیار ناچیز است . UN در زمینه تأمین مسکن نیز کوچکترین جرکتی نکرده است . وضعیت بهد اشت و در مان نیز بسیار بد است . UN ، در مان با هزینه بالا رانمی پذیرد و در مواردی هم که در مان را برعهده می گیرد ، به عنوان مختلف آنرا به تعویق می اندازد و بیمار در مانده را در گیسر کاغذ با ری و اد اربازی می کند . مواردی پیش آمده که انتقال بیمار به اروپا ضروری بوده ولی UN از این مسؤلیت شانه خالی کرده است ، در نتیجه چنین سهل انگاریهایی است که یک پناهنده در یکی از بیمارستانهای طرف معامله UN در پاکستان جان سپرد . پزشکان UN از توانائی لازم در امر طبابت برخوردار نیستند و قبل از هر چیز در فکر بر کردن جیب خود می باشند . بسیاری از پزشکان از بیماران خود بعنوان کوچک آزمایشگاهی استفاده می کنند و ای به حال بیماری که سروکارش با چنین بی وجدانهایی بیفتد .

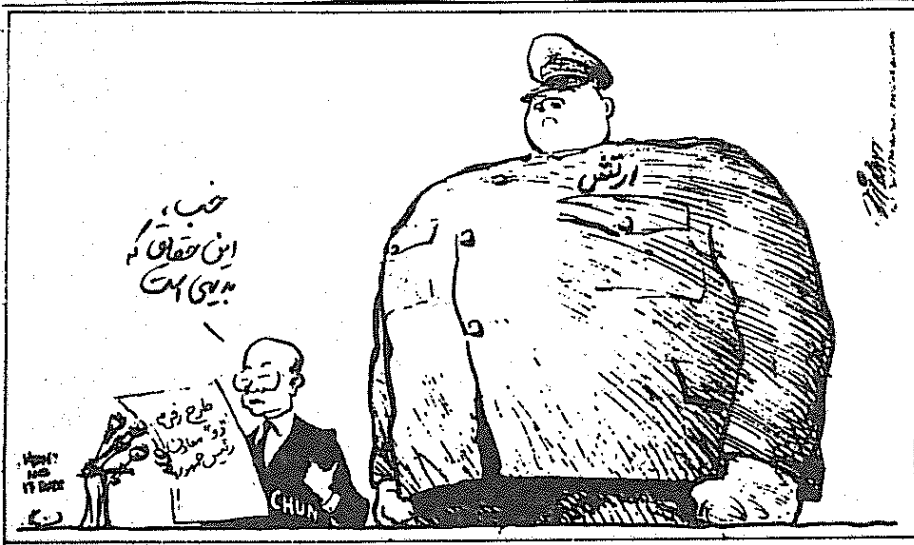
مهاجرین برای دریافت حقوق پناهندگی باید از هفتخوان رستم بگذرند . UN از آنان کاملاً سؤال و جواب بعمل می آورد ، و اگر فرضاً شخصی در رگفتن تاریخ ها اشتباه کند که از نظر آنان تناقض تلقی گردد از رگفتن مقرری محروم می شود . از اغلب پناهندگان کارت شناسائی و برگه های هویت مطالبه می گرد و این موضوع مشکلات فراوانی را برای جوانانی که از سرپازی قرار کرده اند ، بوجود می آورد . اکنون سیاست UN اینست که تا حد ممکن به مهاجرین کارت پناهندگی ندهد و کارت سایر پناهندگانی را که تا کنون مقرری دریافت می کرده اند ، باطل کند ، که در این وضعیت بیشترین فشار را جوانان بلوچ متحمل می گردند . مجموع این فشارها ، درد وری از وطن ، تنهایی و درماندگی پناهندگان هموطن باعث نزدیکی آنان به یکدیگر گردیده و " شورای پناهندگان ایرانی در کراچی " محصول این هم پی بستگی و همدردی است . این شورای بحال حرکتها موفق متعدد دی را برای مقابله با انواع فشارها سازماندهی کرده و توانسته است با حمایت پناهندگان به یک نهاد مؤثر تبدیل گردد .



د وهفته تظاهرات و د رگيريهای خيابانی که د رسغول (پایتخت کرهجنوبی) و سايرشهرهای آن کشور صورت گرفت، اوج تازه بحران مزمن کرهجنوبی است که د وباره سربرهي آورد. اهميت بحران اخيرد راين است که رژيم د يکتاتوری اکسون د رنا مساعد ترين شرايط سياسی قرا گرفته و وضع د اخلی و بين الطلی به آنها اجازه سرکوب شد يد جنبش و تکرار تبهکاریهای مشابه جنایت فجيع کشتار ماه مه ۱۹۸۰ د وشهر "کوانگجو" رانمی د هد.

کرهجنوبی از جمله چند کشور معدود باصطلاح جهان سومی است که بعنوان مدلهای توسعه سرمایه داری د رکشورهای توسعه نیافته، مورد توجه ویژه سیستم جهانی امپریالیستی قرار دارند. د راین میان کرهجنوبی سرآمد همگنان خود چون برزیل، ایران، مکزیک و آرانتین... بوده است چرا که بنا به استناد ارد های توسعه سرمایه داری و ایستة به امپریالیسم، به تمامی اهداف خود نزد یک شده است. روند چنین توسعه ای د ر کرهجنوبی که بر نیروی کار ارزان طبقه کارگر کره وتوده های زحمتکش استوار است، اگرچه کیسه های سرمایه داری را انباشته کرده و از این جهت سرمایه داری و ایستة آن د رمیان رقبا به کسب مدال طلا دست یافته اما جز فقر و رنج برای کارگران و زحمتکشان و سرکوب و اختناق سياسی برای کل جامعه کرهجنوبی دستاوردی نداشته است. د يکتاتوری عريان که شکل تقريبا عمومی حکومت این نوع کشورهای و ایستة بود، است، بیش از ۲۰ سال است که به خشن ترین شیوه د راین کشور اعمال می گود. د ر مقابل آن اکثریت گروههای اجتماعی خصوصاً کارگران، جوانان و دانشجویان همیشه به مخالفت و اعتراض برخاسته اند که د رواقعی به شورشهای وسیع مانند ماجرای کوانگجو د رسال ۱۹۸۰، که این شهرکاملاً به تصرف جوانان د رآمد، منجر گردیده است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، از چندی پیش برای مقابله با بحرانهای این کشورها که د رنمونه ای از آن قیام بهمین انقلاب گذشته ایران را پیش آورد به روند جایگزین کردن د ولتهای



## کره جنوبی: اوج مجدد بحران

جمهوری د یکتاتوری آنها، او اتمام سمت های خود استعفا خواهد داد. موضعگیری رهبر لیبرالها د ر مقابل این حرکت جالب توجه است او اعلام کرد که این برنا مه قراترا زخواستهای حزب شان بوده و او را شکفت زده کرده است. اگر برای ذهن علیل لیبرالها شکفتی آوراست، برای جناحهای مسلط امپریالیسم و سرمایه داری د ر کره که می دانند با چه آتشی بازی می کنند، جای هیچ تعجبی وجود ندارد. چرا که د ر کرهجنوبی با یک طبقه کارگر وسیع و بزرگ روبرو هستند. اگرچه هنوز طبقه کارگری آرایش و توان کافی به میسد ان نیامده است اما سرمایه داری امپریالیستی که نمونه بحرانهای مشابه د رکشورهای دیگر راد میسد است، از عاقبت کار د رکشوری که وسعت طبقه کارگر د ر آن بیشتر از کشورهای مورد اشاره نیز می باشد ترس بسیار دارد.

شبه لیبرالی بجای این د یکتاتوری های عریان دست زده است. حرکتی که اصطلاحاً آنرا "فیلیپینیزه" کردن می گویند. ریگان می گوید "جریان د مکرسی د ر جهان روبه پیش روی است و کرهجنوبی باید یک نمونه برجسته آن باشد. معاون وزیر خارجه آمریکا اخیراً به سئول سفر نمود تا "چون د وهسوان" د یکتاتور را د اره پذیرش فرم سیاسی نماید. اگرچه هنوز بحران لا ینحل مانده اما تأثیرات توازن د اخلی و اعمال نفوذ برنا مه امپریالیسم تأثیر خود را بجایگذارد و د رمیان حزب حاکم عدالت د مکراتیک شکاف انداخته است. جانشین رئیس جمهور و رئیس حزب حاکم یعنی "روب تا - وو" پلانفرم خود برای فرم سیاسی را اعلام کرد که شامل انتخاب مستقیم رئیس جمهور، آزادی زندانیان سیاسی، لغو سانسور و رفع محدودیت بر آقایی "کی پی ونگ" رهبر اپوزیسیون لیبرال میباشد و تهدید ید نمود که د ر صورت عدم موافقت رئیس

ادامه از صفحه ۱۳

## آبراکل نکند!

انقلابیگری نیز د رهمن رابطه معنا پیدا میکند. لیکن برای این جریانات ضد سوسیالیستی اینها بی معنا است و دقیقاً از روی همین دیدگاه بخوبی معلوم میگردد که خصوصاً اینها با توده های سوسیالیست د ر طبقه کارگران و جوانان و مبارزه طبقاتی د ر ایران ندارد. و ایراد این آقایان به حزب توده به خاطر وابستگی این حزب به شوروی است. یعنی محتوای واقعی سیاست این گروهها قراترا زنا سوسیالیسم بورژوازی نمی رود. تفاوت اساسی مخالفت ما با آنها د ر رابطه با حزب توده نیز از همین جا است. دشمنی آنها با حزب توده از د ر بچه تنگنا سوسیالیستی است ولی ما مرزهای خود را از اپورتونیزم حزب توده بر زمینه ای از مبارزه طبقاتی جدا و مشخص میکنیم. این حقیقتی است که آنها قانده د ر رک آن نیستند. بهمین خاطر نمی توانند د ره ژرف میان سیاست ما

این نیشترها د یگری بیکر ما اثرند ارد، ماهمچون گذشته د ر برابر مخالفین سیاسی مان از حربه مبارزه آید فولوژیک و بحث و اقتناع سود می جوئیم. آموزش ماهه اعضاء و هواداران مان این است که با اخلاقی صبورانه و د رعین حال قاطعانه روشهای چماق داری را افشاء کنند و عناصری را که صراحتاً به فحاشی می پرد ازند با یکوت و طرد نمایند. رفقای مان نباید تن به د رگیری فیزیکی بدهند هرچند که هدف این نیروها غیر قابل تحمل کردن محیط برای ما باشد. روشن است که این روش صبورانه تا آنجا معنا دارد که طرف مقابل به د رگیری فیزیکی متوسل نشود.

حزب توده د ر برخورد با رژیم اسلامی و مبارزه طبقاتی د ر سال گذشته ایران را ببینند و بنا بر این به این سطح مبتدل د رمی غلطند که تفاوت راه کارگر با توده های هافقط د ر اینست که راه کارگر د ستش بخون مبارزین آلوده نشده است. آری کسانی که د ر چنین موضع تنگ نظرانة بورژوازی قرار دارند نمی توانند مدافع پیگیر آزادی های بی قید و شرط سیاسی باشند و نمی توانند ببینند که سا زمانی مثل سا زمان ما هر روز د ر مقابل چشمشان رشد میکند و نفوذ معنویش گسترش می یابد. پس باید به هر نحو، با د روغ و تهمت و هیا هو، فحاشی و حتک حرمت به ارزشهای آن باصطلاح چهره راه کارگر را بیالایند. تعهد ما به د مکرسی بی قید و شرط سیاسی ولی نیرومند ترا ز انست که د ر برابر این تحریکات که صد البته د ر آینه ه شد ید ترهم خواهد شد از خود تزلزل نشان د هم. ما احتیاجی به چماقداری و روش های قلد رمایانه ند اریسم. قدرت ما به استحکام نظری و تشکیلاتی مان است.

با پیام کارگر همکاری کنید  
و برای آن بنویسید!

### اطلاعیه

بد نبال ناپید شدن آقای حمید بهمنی (چیتگر) مسئول دفتر حزب کار ایران در خارج از کشور در تاریخ ۱۹ ماه ۸۷۴ که موجی از نگرانی در میان اپوزیسیون ترقیخواه برانگیخت، اخیراً روزنامه کوریوچاپ وین به تاریخ ۱۹ ژوئیه ۸۷ خبرتکان دهنده و دردناک قتل ایشان را بدست یک گروه تروریست حرفه‌ای منتشر کرده است. روزنامه مذکور گزارش میدهد که جسد خون‌آلود مقتول را که متعلق به بیست روز قبل از این تاریخ می‌باشد در خانه‌ای در منطقه شهرویی - یافته‌اند. بنا به تشخیص پلیس این عمل جنایتکارانه توسط یک گروه حرفه‌ای تروریستی صورت گرفته است.

دیگر تردیدی نیست که این عمل جنایتکارانه بدست عمال مزدور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی انجام گرفته است. و مسلم است که این جرثومی از نقشه ترور مبارزین و شخصیت‌های مخالف رژیم خمینی است که از زمان تها پیش توسط تروریست‌های این رژیم در خارج از کشور بدنبال می‌شود. نیروهای انقلابی باید با هوشیاری بیشتری به این برنا مه‌های تروریستی برخورد کنند. نباید بگذاردیم رژیم آسانی و بادست با زهشکار مبارزین ببرد از دست ما.

ما شهادت حمید بهمنی (چیتگر) را به سازمانش و هیئت خانواده دردمندش تسلیت می‌گوئیم.

پیام کارگر

### سخنرانی در هامبورگ

به دعوت هواداران سازمان در شهر هامبورگ (آلمان فدرال) یک جلسه سخنرانی تحت عنوان "سیاست ائتلافی ما" در تاریخ جمعه ۱۲ ماه ژوئن ۸۷ برگزار شد. هدف از برگزاری این سخنرانی توضیح سیاست ائتلافی سازمان و بطور خاص پلان تفرمهای جنبه د مکراتیک و ضد امپریالیستی "و جنبه واحد کارگری" بود.

در بخش نخست برنا مه پس از یک دقیقه سکوت بخاطر شهید ای قهرمان راه آزادی و سوسیالیزم، رفیق سخنران طی بحث میسوطی نظرات سازمان ماحول اصول سیاست ائتلافی کمونیستها، بررسی شخصیت‌های طبقاتی در ایران و سیاست ائتلافی سازمان را تشریح کرد. پس از یک استراحت کوتاه، نوبت به سوالات کتبی و شفاهی حاضران در جلسه رسید که طی آن به سوالات و ابهامات در وستان و رفقای حاضر پاسخ داده شد. این قسمت از برنا مه متأسفانه بععلت کمبود وقت بطور کامل برگزار نشد و جلسه در فضای گرم و رفیقانه‌ای خاتمه یافت.

### نمایشگاه از فجایع جنگ

روژشنبه ۱۴/۶/۸۷ بهایتکار رفقای مادر آلمان - برلین غربی، نمایشگاه عکس برگزار کردید. این نمایشگاه از سوی مردم هیئت جوانان - مستقبال قرار گرفت. در جریان دیدار مورد از نمایشگاه، رفقای ما تعداد زیادی از عکسها را جمع کردیم که در دسترس قرار دادند.

### یاد رفیق

### حمید اشرف گرامی باد!

هشتم تیر ماه ۸۷ سال مصادف است با یاد همدین سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف در روز هندی جنبش انقلابی ما. رفیق حمید اشرف در طول حیات سیاسی خویش که به یک دهه زندگی مخفی و جنگ و گریز با مزدوران دشمن سر میزد، لحظه‌ای از بیوفایی با زناپستاد، بارها تله دشمن را خنثی کرد و با تحرک و جسارت غیر قابل وصفی تلاش مزدوران شاه را ناکام ساخت و نمونه‌های ارزنده‌ای از شادت و قهرمانی را بیادگار گذاشت. در پی انجام یک رشته اقدامات پلیسی و اجرایی طرح تعقیب و مراقبت گسترده، مزدوران ساواک به کاد رهبری سچفخاد دست یافتند و یکدیگر را تا برابر رفیق حمید اشرف و یاران هم‌زمینش بشهادت رسانیدند. هفت هشت تیر و ضربات اردیبهشت ماه همدان سال برای سچفخاد که رهبری و کاد رهسای برجسته‌اش را از دست داد، ضایعه‌ای جبران ناپذیر بوجود آورد. خلاصه رهبری انقلابی، فرصتی برای اپورتونیستهای راست فراهم آورد تا با قبضه مواضع کلیدی سچفخاد، از قهرمانی رفقای چون حمید اشرف و... پشتوانه‌ای برای سیاستهای بی‌ثبات ارتجاعی و راست روانه خود نمیکند. اما سنت قهرمانانه آن رفقا با وجود غلبه اپورتونیسم و سازشکاری در سچفخاد گسترده و وسیعتری توسط هزاران کمونیست رزمجود و عرصه‌های گوناگون نبرد با رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان گاه‌های آن بخوبی پاسداری شده است.

در سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف و رفقای هم‌سنگرش یاد آنان را گرمی داشته و خصائص برجسته انقلابی و جانباوری آنان را در راه‌های کارگران و زحمتکشان ارج می‌نهیم!

برای تماس با سازمان از خارج کشور، با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹ و برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط رژیم اسلامی، مطلقاً صحبت همگرمایی از داخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود.

پس از یک دوره برنا مه آزمایشی

## صدای کارگر

### رادئوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنا مه‌های خود را از اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶) رسماً آغاز کرده است. صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ۷۵ متر برابری ۴ مگاهرتز پخش می‌گردد.

برنا مه هر شب، ساعت ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می‌گردد.

برنا مه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می‌شود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگرددعوت نمائید!

ALIZADI B.P. 195 75564 PARIS - CEDEX 12 FRANCE	آدرسی پیام کارگر	POSTFACH 650226 1 - BERLIN 65
---------------------------------------------------------	------------------	-------------------------------------